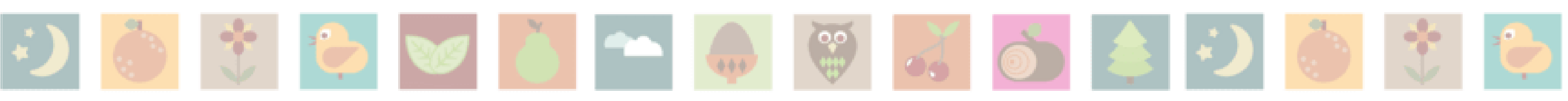


شماره 1 را کلمه از خداوند

خداوند ساخته شده است جهان

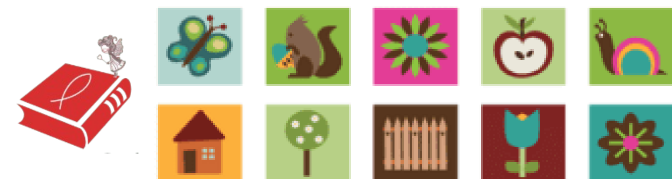






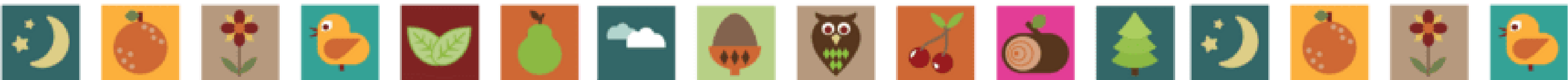


امروز کلمه



در آغاز خدا آفرید
آسمان ها و زمین.

پیدایش 1:1

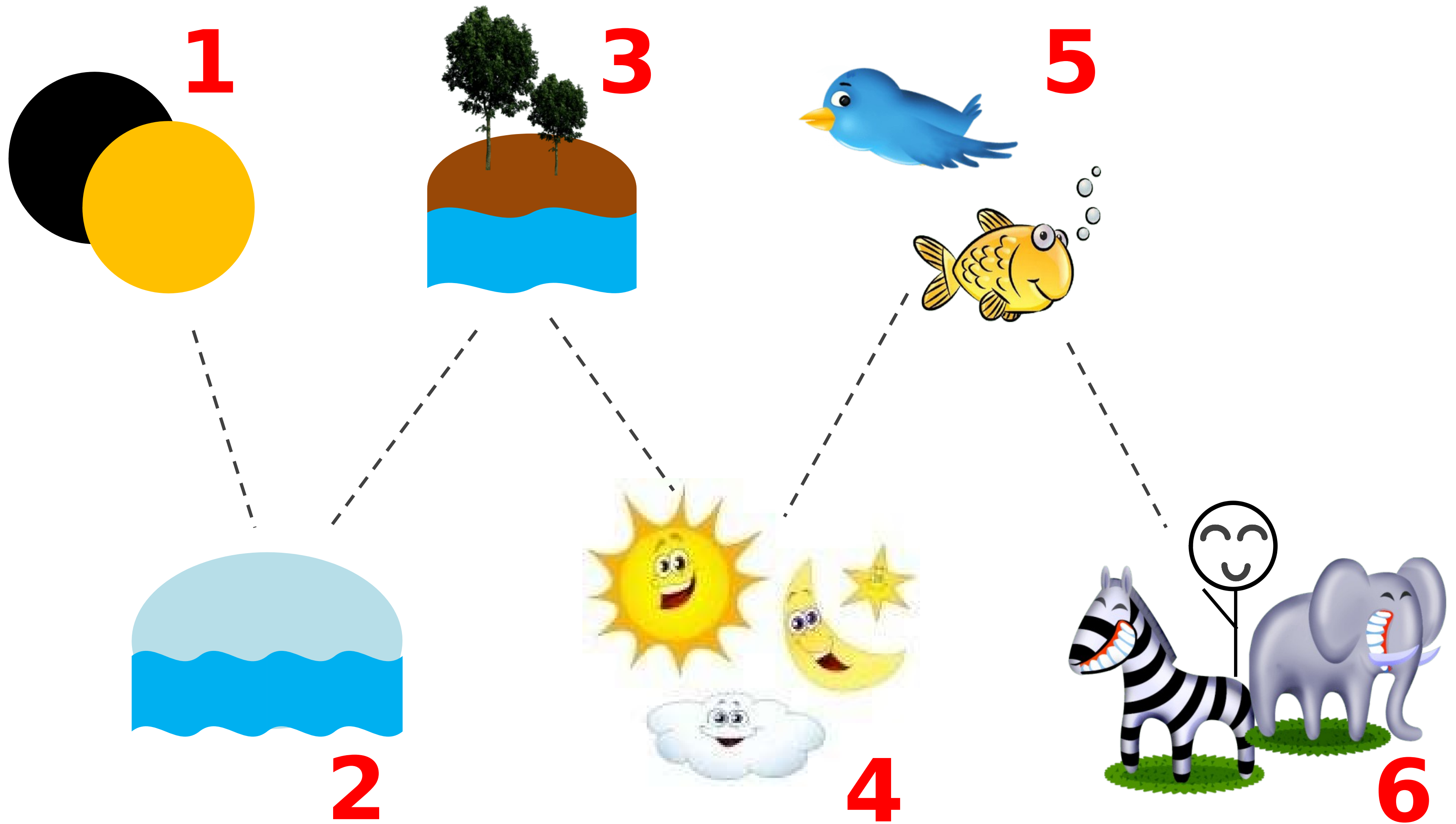




در آغاز، تاریکی بر سطح بود.
نه مردی بود، نه نوری. چیزی نبود.



خداوند فرمود: بگذار نور باشد.
و نور بود



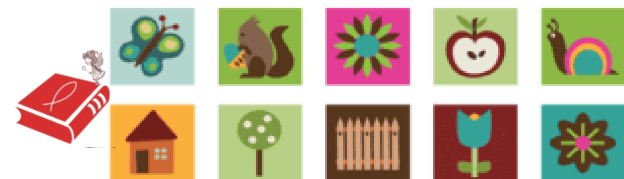
خداوند در روز اول نور را از تاریکی جدا کرد. او تمام دنیا را
به مدت شش روز ساخت.



انواع جانوران و گیاهان، پرندگان و ماهی ها در زمین، دریا و آسمان پر هستند. خدا به تمام آنچه ساخته بود نگاه کرد و گفت: "خیلی خوب!"



درس امروز

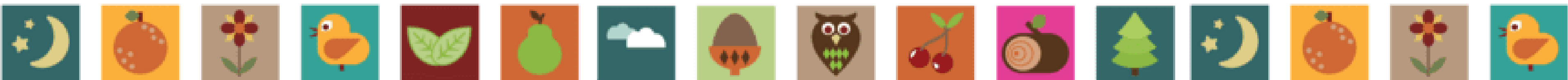


چه کسی دنیا را ساخته است؟
خدا دنیا را آفرید.

چه کسی دنیا را مرتب می کند؟
خداوند دنیا را مرتب نگه می دارد.

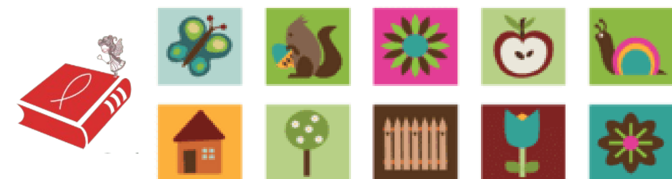
دنیا به خودی خود ساخته نشده است.
دنیا به خودی خود تکان نمی خورد.

ما باید به یاد داشته باشیم که خداوند تمام جهان را آفریده و هنوز هم بر همه آنها کنترل دارد.



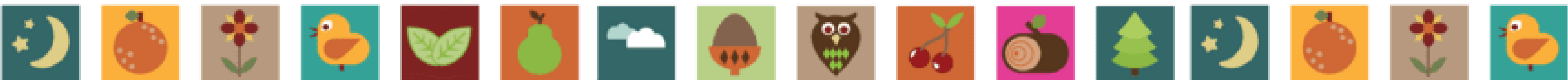


خدا کیست؟



او هست...

خالقی که تمام جهان از جمله من را ساخته است.





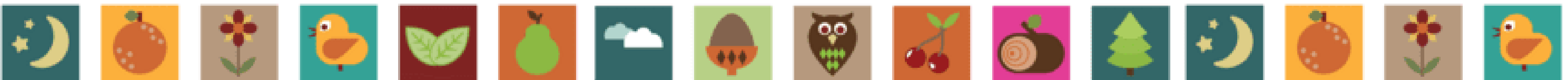
خدا با چه چیزی دنیا را آفرید؟

① سنگ

② آب

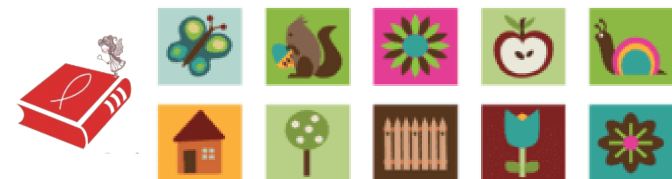
③ گرد و غبار

④ کلمه



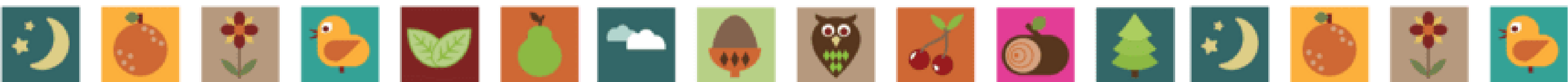


امروز کلمه



در آغاز خدا آفرید
آسمان ها و زمین.

پیدایش 1:1

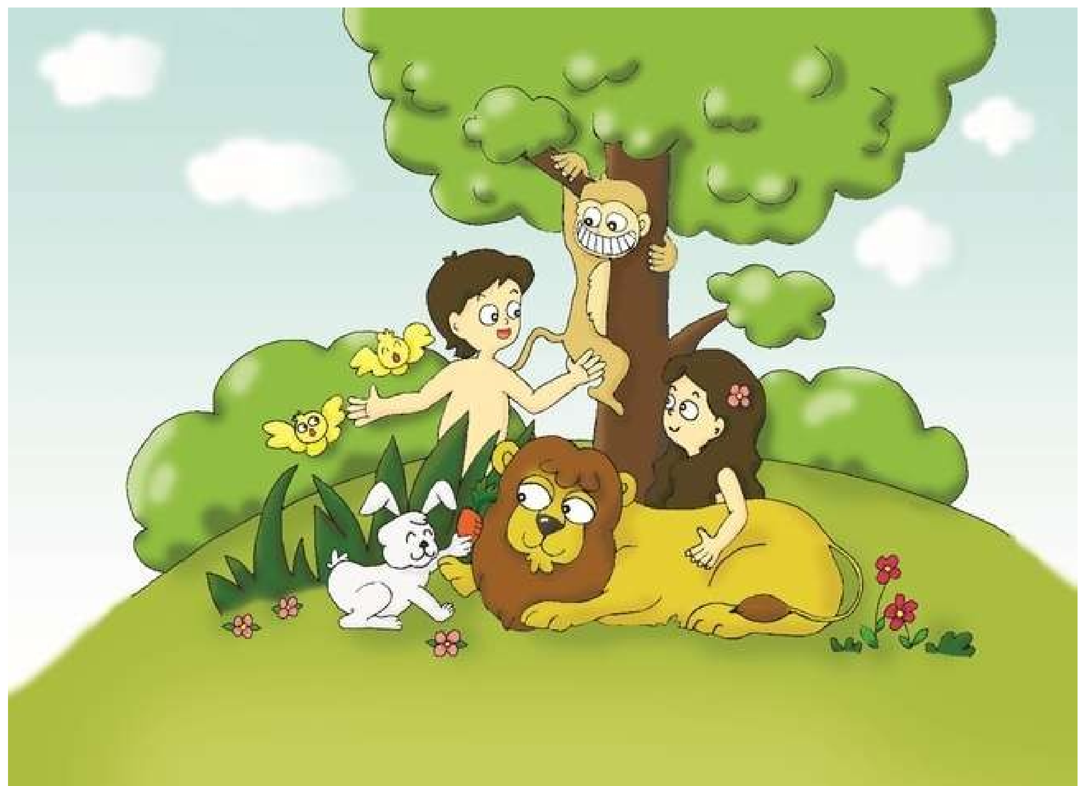


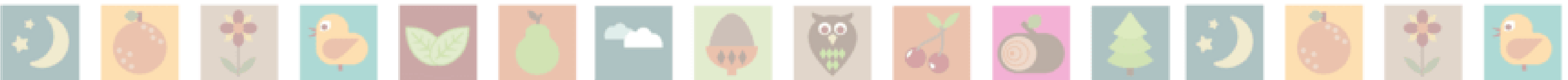


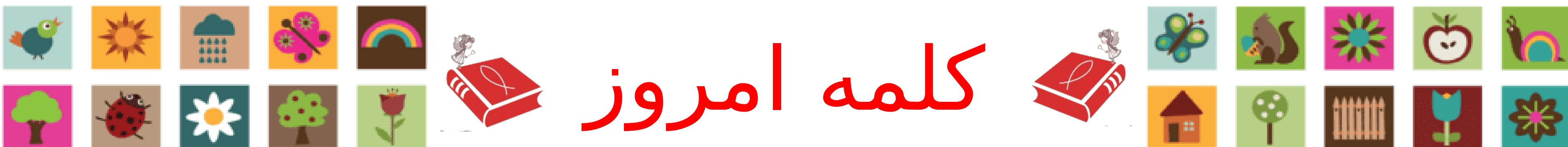
کتاب مقدس کودکان شماره 2
کلام خدا

میوه حرام را خوردند





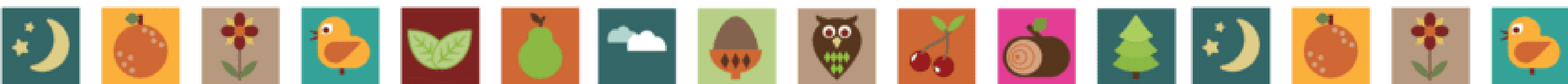




کلمه امروز

خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید.
نر و ماده را آفرید.

روایت آفرینش در انجیل
1:27





آدم و حوا بهترین مخلوقات خدا بودند.
زیرا آنها مطابق تصویر خدا آفریده شدند.



خداوند به آن مرد گفت «شما آزاد هستید که از هر درختی در باغ بخورید، اما از درخت معرفت خیر و شر نخورید، زیرا وقتی از آن بخورید حتماً خواهید مرد.»



اما شیطان در لباس مار حوا را وسوسه کرد.
بالاخره حوا میوه را خورد.



و حوا دیگری را به آدم داد.
آدم هم خورد.



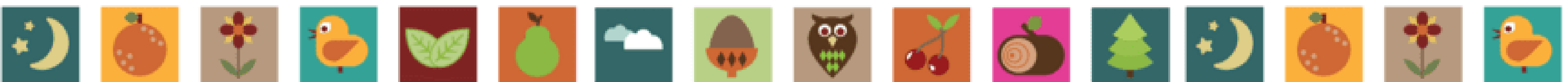
خدا آنها را از عدن بیرون کرد زیرا به خدا گوش نکردند.
از آن زمان سین به دنیا آمد.



درس امروز

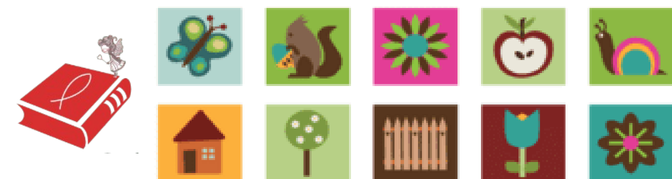
گناه به این دلیل به دنیا آمد که آدم و حوا از فرمان خدا اطاعت نکردند.

آیا من از کلام خدا اطاعت می کنم؟
اگر به خدا ایمان دارم، باید از کلام خدا اطاعت کنم.





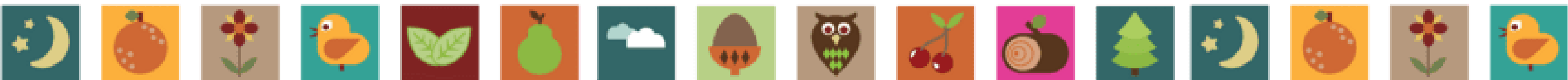
خدا هست؟



خداوند..

از نافرمانی بیزار است.

درود بر مردی که از کلام او اطاعت کند.





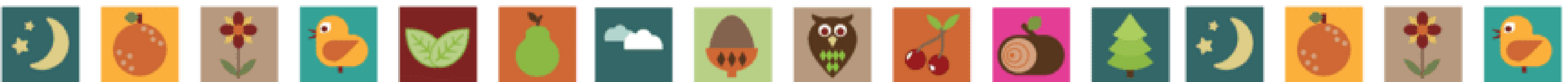
خدا به مردم چه گفته که نخورید؟

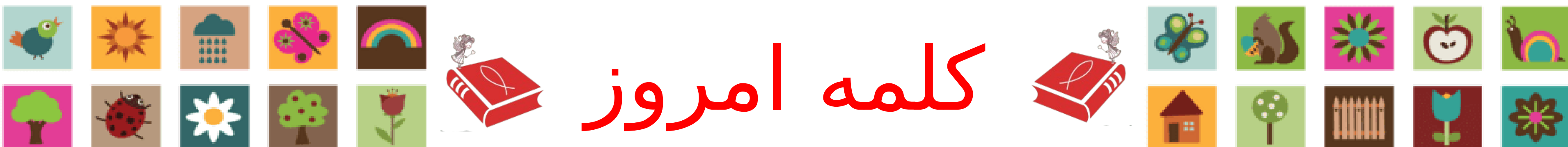
① میوه

② گوشت

③ سبزیجات

④ **ثمره شناخت خیر و شر**

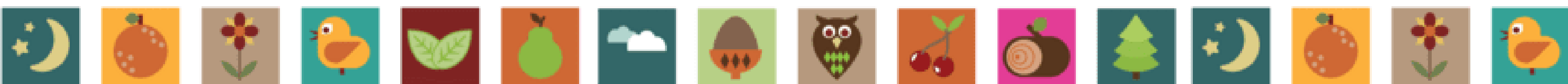




کلمه امروز

خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید.
نر و ماده را آفرید.

روایت آفرینش در انجیل
1:27

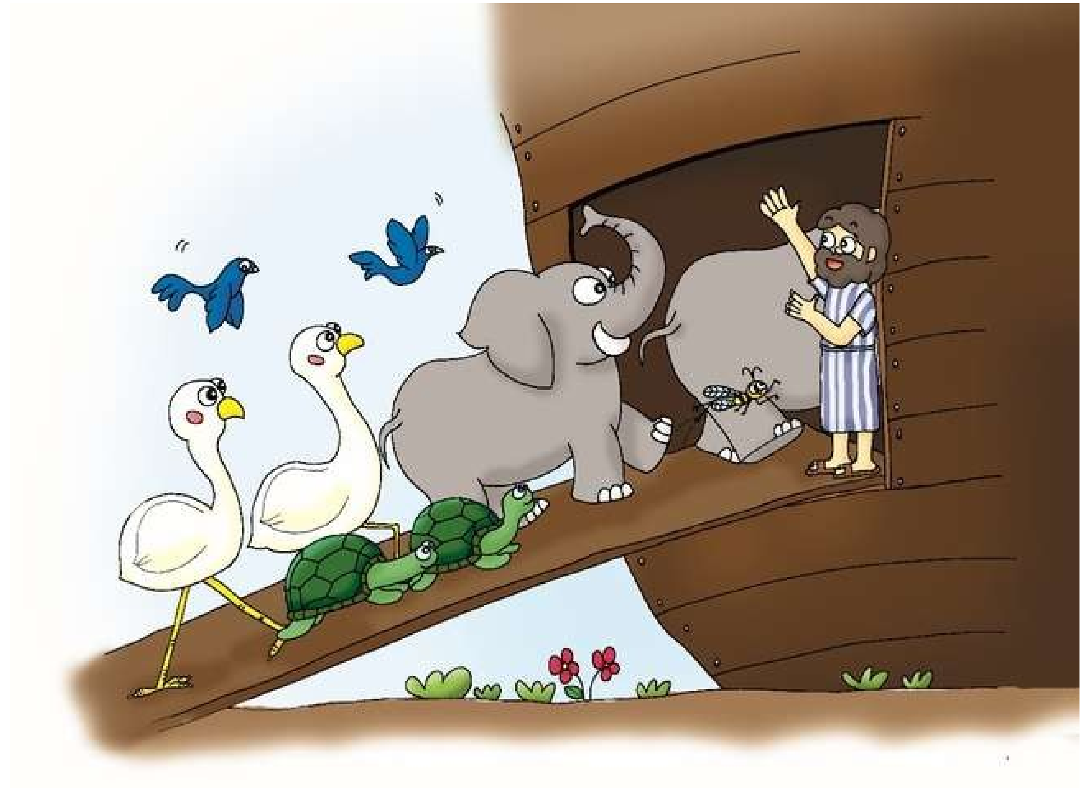


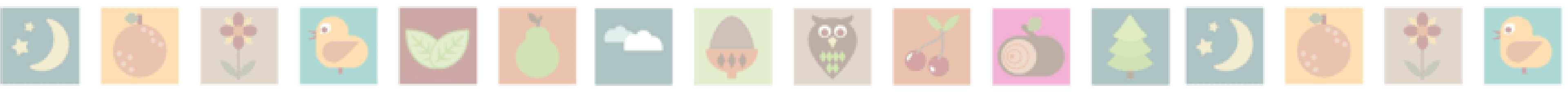


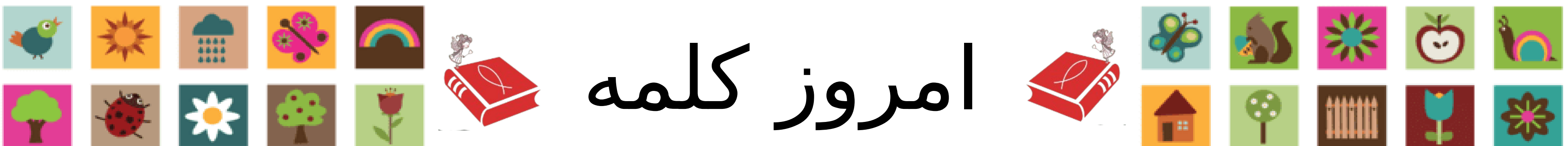
شماره 3 کلام خدا

نوح یک کشتی بزرگ (کشتی) در کوه مرتفع ساخت





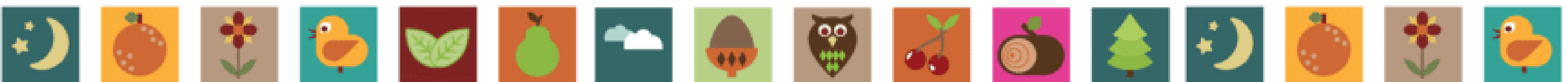




امروز کلمه

سپس خداوند به نوح گفت: «تو و تمام خانواده‌ات به کشتی برو، زیرا تو را در این نسل عادل یافتم.

(پـــیدایش7:1)





خدا دید که همه مردم روی زمین راه خود را تباه کردند. خداوند به نوح گفت: «من مردم و زمین را نابود خواهم کرد. یک کشتی بزرگ در کوه بسازید!»



نوح همانطور که خداوند به او دستور داده بود شروع به ساخت کشتی در کوه کرد. مردم فکر می کردند او دیوانه



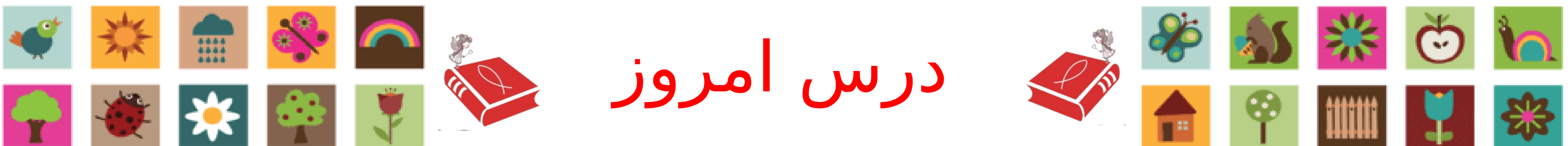
نوح اجازه داد هر گونه موجودی با 8 عضو خانواده نوح به کشتی بیایند، همانطور که خدا دستور داده بود.



همانطور که خداوند فرموده بود باران به مدت 40 روز روی زمین می آمد.



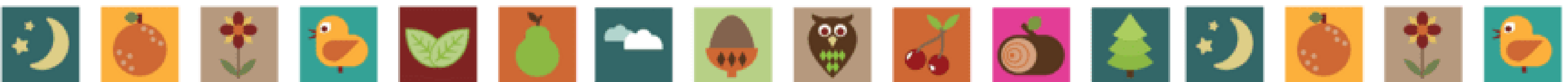
در نهایت زمین پوشیده از آب شد. هر موجود زنده ای که روی زمین حرکت می کرد مرد. فقط نوح باقی ماندند و کسانی که با او در کشتی بودند.



درس امروز

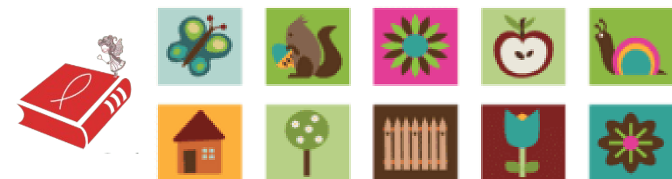
مردم به نوح که به آنها فرصتی برای نجات از سیل بزرگ داد گوش نکردند.
فقط گفتند نوح دیوانه است

وقتی انجیل را به دوستان می رسانید، ممکن است به خوبی به شما گوش ندهند.
اما، در نهایت، آنها خواهند دانست که کلام خدا صادق است.



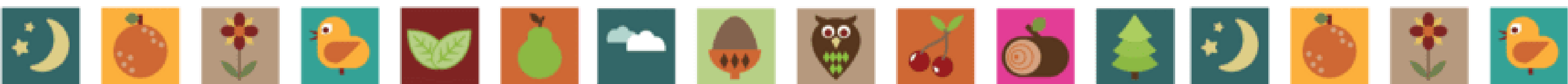


خداوند ؟



خداوند..

خدا از گناه متنفر است و گناه را قضاوت می کند.





آزمون امروز

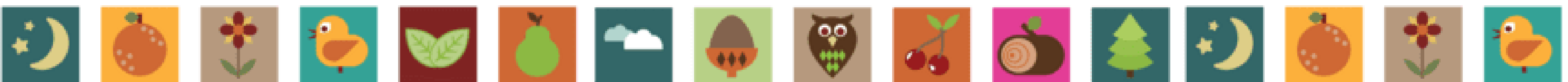
خداوند به نوح گفت که چه چیزی بسازد؟

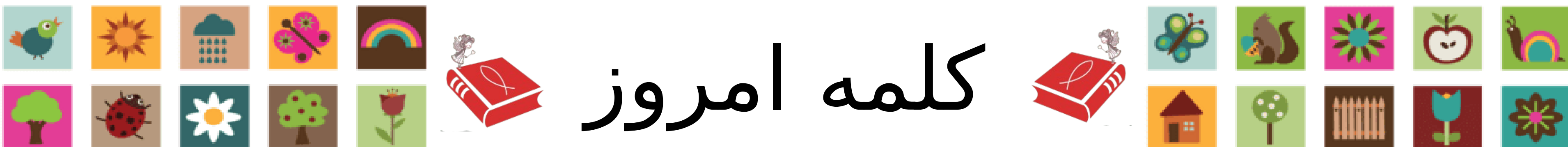
یک کشتی (یک کشتی) ①

یک ماشین ②

یک خانه ③

یک دوچرخه ④

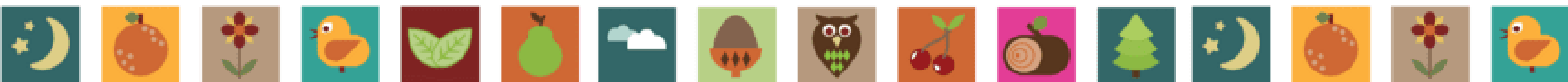





کلمه امروز

سپس خداوند به نوح گفت: «تو و تمام خانواده‌ات به کشتی برو، زیرا تو را در این نسل عادل یافتم.

پیدایش 7:1





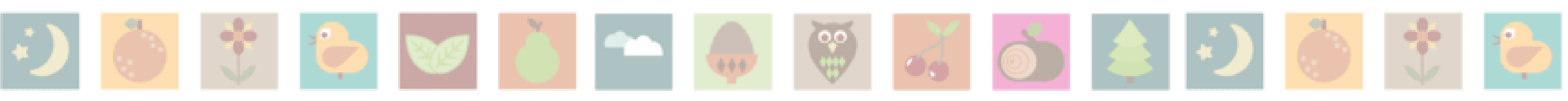
شماره 4 کلام خدا

رنگین کمان عهد خدا بود



Bible Kids



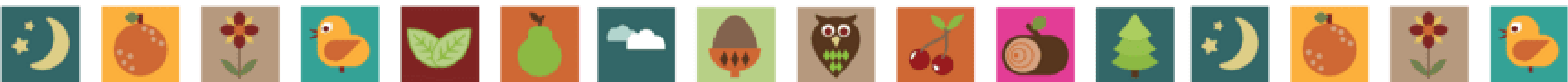





امروز کلمه

هرگاه رنگین کمان در ابرها ظاهر شود، آن را می بینم و عهد جاودانی بین خدا و همه موجودات زنده از هر نوع روی زمین را به یاد خواهم آورد.»

روایت آفرینش در انجیل
9:16





همه موجودات زنده از بین رفتند، فقط نوح و کسانی که با او در کشتی بودند باقی ماندند.



باران به مدت 40 روز بر روی زمین می آمد.



پس از توقف باران، نوح کبوتری را بیرون فرستاد.
کبوتر با برگ تازه زیتون در منقار نزد او بازگشت. نوح می دانست: «آب از زمین عقب نشینی کرد!»



نوح با خانواده اش بیرون آمد و خدا را عبادت کرد. "خدایا از
تو ممنونم که دنیای جدیدی به ما دادی."



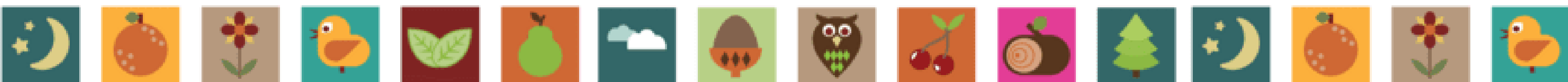
خداوند رنکین کمانی را به عنوان علامت عهد و برکت به او
"!نشان داد. "در دنیای جدید شاد زندگی کنید



درس امروز

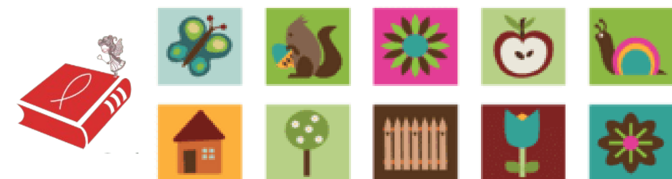
خداوند نوح و خانواده اش را نجات داده است. خداوند وعده داده است که آنها را برکت خواهد داد و از طریق آنها دنیایی جدید خواهد ساخت.

خدا نیز ما را از طریق عیسی نجات داده است. ما باید باور داشته باشیم که خدا دنیای جدید خود را از طریق ما خواهد ساخت.



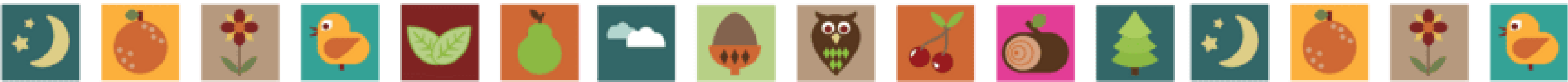


یهوه خدا؟



یهوه خدا..

یَهُوَه خدا پدر ماست که وقتی به او ایمان می‌آوریم فرزندان دلبندش را به وفور نجات می‌دهد و برکت می‌دهد.





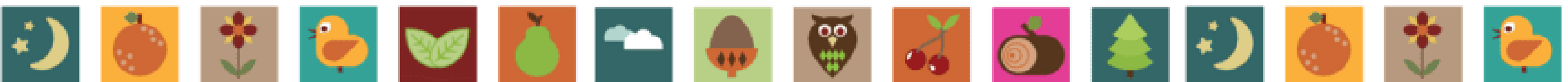
نوح چه چیزی را فرستاد تا ببیند زمین خشک شده است؟

① عقاب

② گنجشک

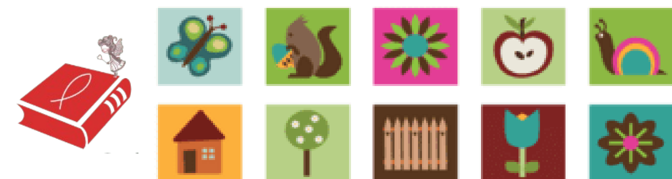
③ کبوتر

④ اردک



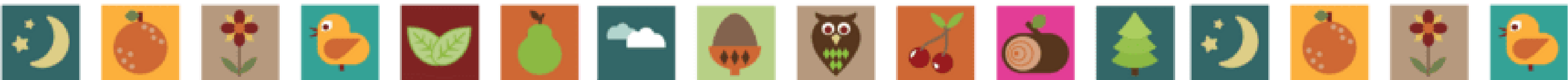


کلمه امروز



هرگاه رنگین کمان در ابرها ظاهر شود، آن را می بینم و عهد جاودانی بین خدا و همه موجودات زنده از هر نوع روی زمین را به یاد خواهم آورد.»

روایت آفرینش در انجیل
9:16

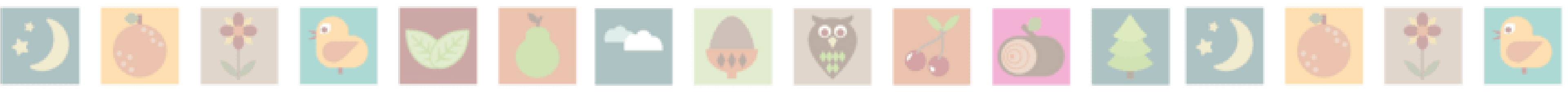


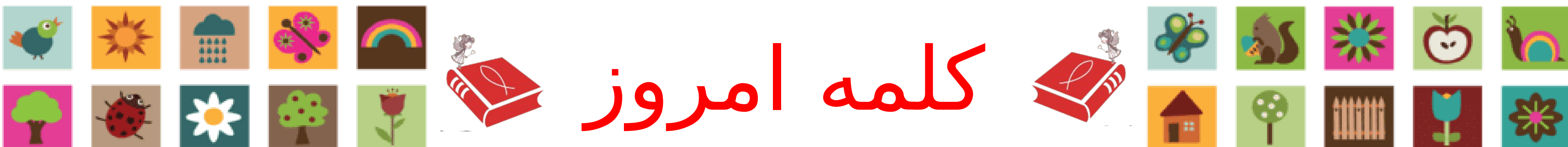


شماره 5 را کلمه از
خداوند

افرادی که ساختند
برج بابل

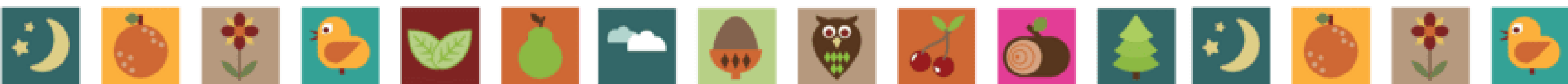






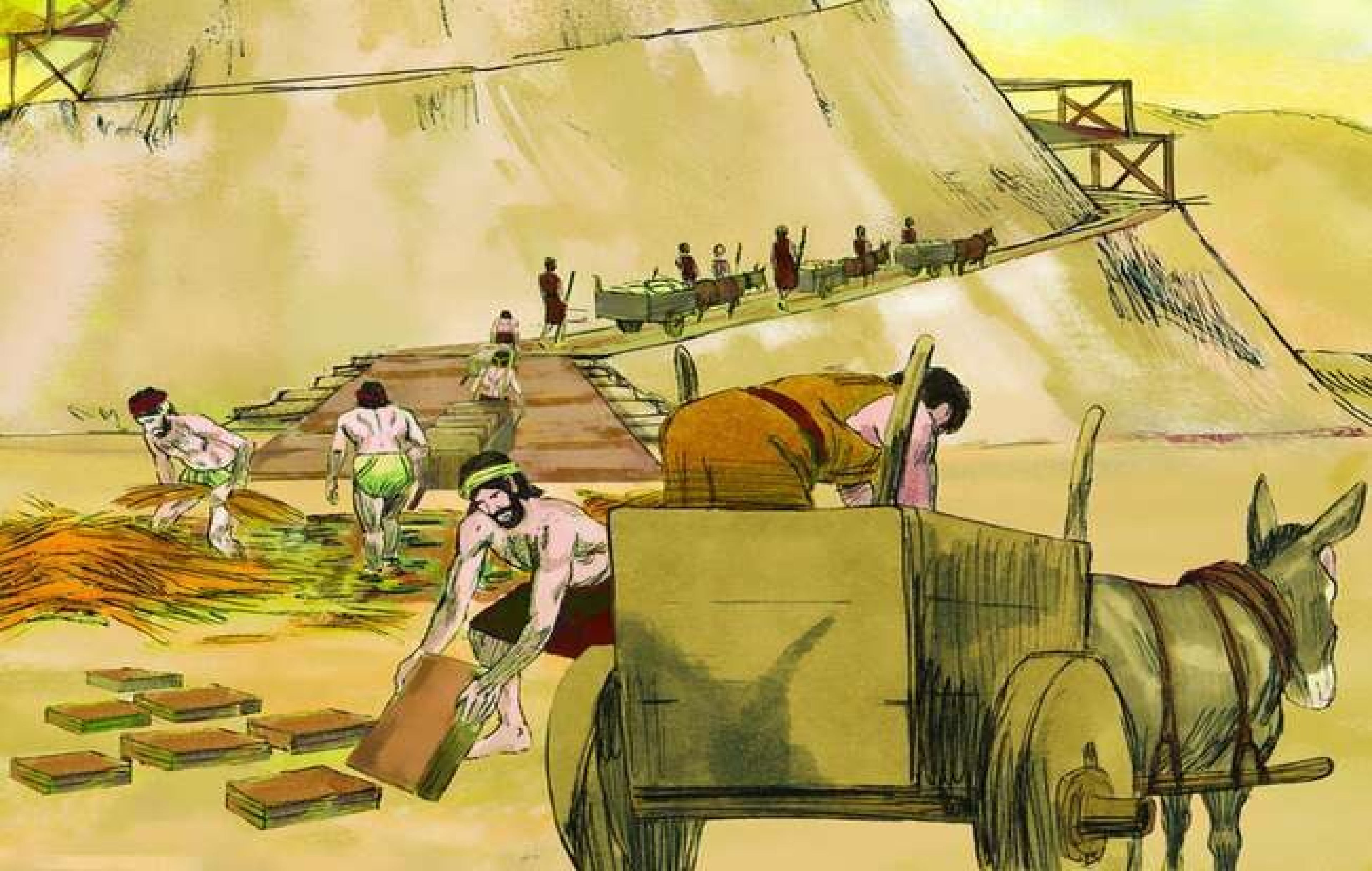
به همین دلیل آن را بابل نامیدند، زیرا خداوند در آنجا گیج شد
زبان تمام دنیا از آنجا خداوند ایشان را پراکنده کرد
بر روی تمام زمین

روایت آفرینش در انجیل
11:9





مردم می خواستند از خدا بزرگتر و مشهورتر باشند. بنابراین،
آنها شروع به ساختن یک برج بلند کردند.



بنابراین، آنها به طور کلی برج را می ساختند.

بیایید خود را به دنیا نشان دهیم. ما خیلی عالی هستیم!«



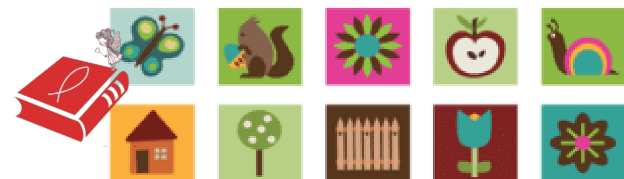
امّا چون خداوند تکبّر آنها را دید زبانشان را به هم ریخت تا یکدیگر را درک نکنند.



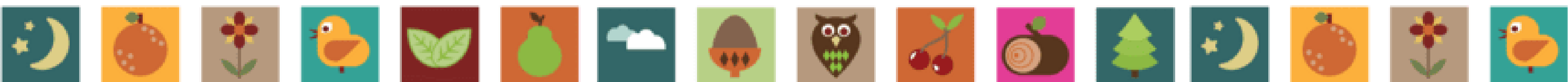
چون نمی توانستند یکدیگر را درک کنند، نمی توانستند با هم کار کنند. سرانجام بر روی زمین پراکنده شدند. تا به حال زبان های دنیا با یکدیگر متفاوت بوده اند.



درس امروز

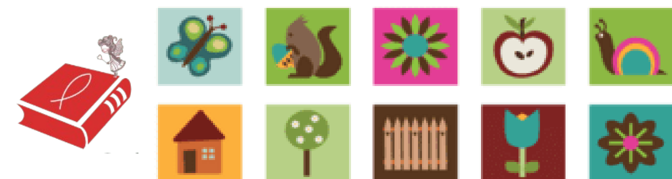


مردم می خواهند از خدا بزرگتر و بالاتر باشند.
به این ذهن «تکبر» می گویند.
خداوند از «تکبر» متنفر است.
نقطه مقابل تکبر «تواضع» است.
ما باید در برابر خدا "متواضع" باشیم تا او را خشنود کنیم.





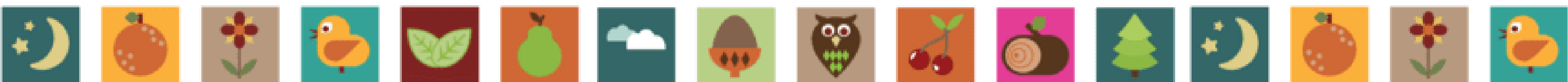
یهوه خدا؟



یهوه خدا..

یهوه خدا بزرگتر و عاقلتر از ماست.

ما نمی‌توانیم از خدا عاقل‌تر باشیم، حتی اگر همه خردمان را با هم ترکیب کنیم.

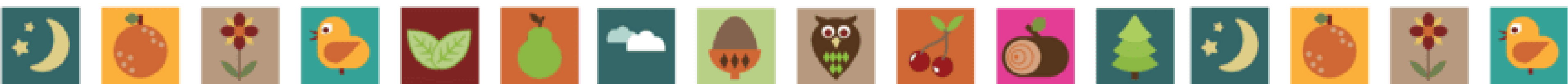




چرا نتوانستند برج را تمام کنند؟

① هنگامی که آنها سیل را ایجاد کردند، خداوند باعث ایجاد سیل شد
② هنگامی که آنها آتشی را به وجود آوردند، خداوند آتشی پدید آورد.
③ خدا وقتی زلزله را ایجاد کردند.

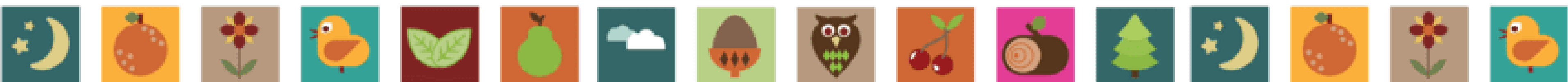
④ خداوند آنها را آفرید که وقتی آن را ساختند یکدیگر را درک نکنند.





به همین دلیل آن را بابل نامیدند، زیرا خداوند در آنجا گیج شد
زبان تمام دنیا از آنجا خداوند ایشان را پراکنده کرد
بر روی تمام زمین

روایت آفرینش در انجیل
11:9



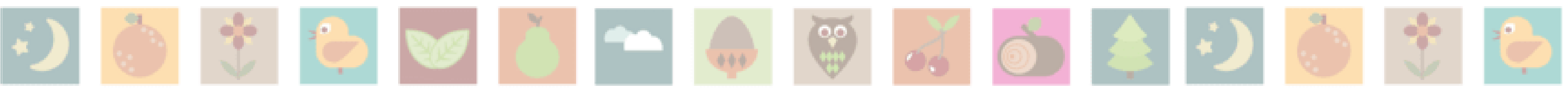


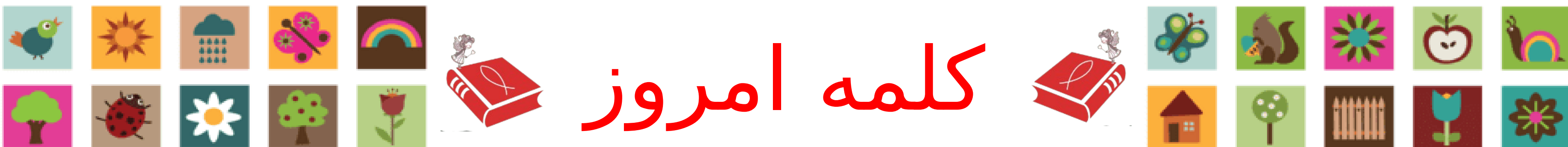
شماره 6 کلام خدا

خداوند ابراهیم را صدا زد





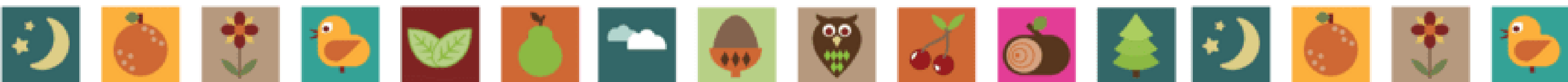




کلمه امروز

خداوند به ابرام گفته بود: «وطن، قوم و خودت را رها کن
خانواده پدر و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد برو.

پیدایش 12:1





اور کلدانیان شهر بت پرستی بود.
ابراهیم در آنجا به دنیا آمد و زندگی کرد.



روزی خداوند به او گفته بود: "کشور خود را ترک کن
و من تو را برکت خواهم داد."



با اینکه ابراهیم نمی دانست کجا باید برود، کلام خدا را اطاعت کرد و همانطور که خداوند به او گفته بود رفت.






او در سفر دچار مشکلات بسیار شد، اما خداوند او را به سلامت حفظ کرد.



سرانجام ابراهیم به سرزمین کنعان رسید. آنجا زندگی می
کرد. "خدایا شکرت."



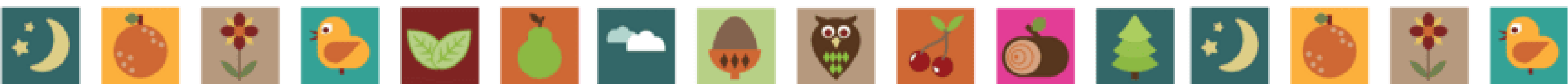


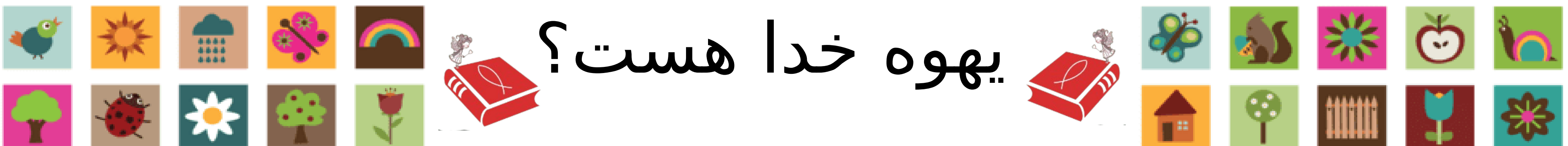
امروز درس

ابراهیم با اطاعت از کلام خدا زادگاه خود را ترک کرد.

اینجوری ما باید به خدا ایمان داشته باشد و از قول او اطاعت کند.

ما باید در هر زمانی تمایل داشته باشیم که از کلام خدا اطاعت کنیم.

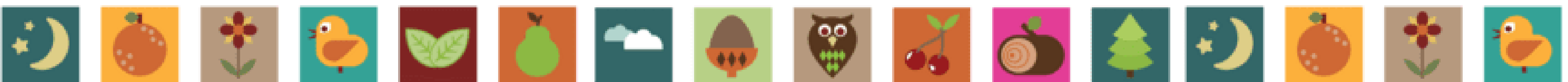




یهوه خدا هست؟

یهوه خداوند....

او پدر ماست که به هر قیمتی به وعده خود عمل می کند.





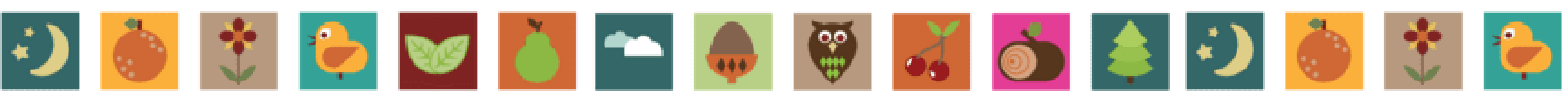
ابراهیم کجا به دنیا آمد؟

① کنعان

② هاران

③ اسرائیل

④ اور کلدانیان

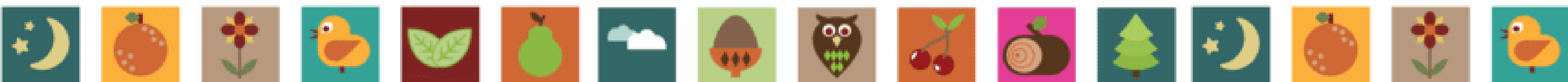




امروز کلمه

یهوه خدا به ابرام گفته بود: «کشور، قوم و خاندان پدرت را رها کن و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد برو.»

پیدایش 12:1



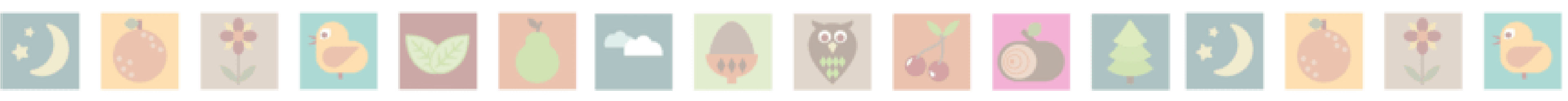


شماره 7 کلام خدا

اسحاق، پسر موعود



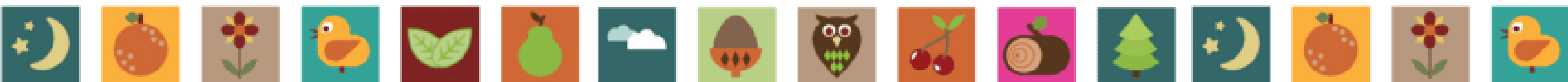






ابراهیم صد ساله بود که پسرش اسحاق برای او به دنیا آمد.

روایت آفرینش در انجیل
21:5





خداوند به ابراهیم وعده داد که به اندازه ستارگان در آسمان شب به او فرزندانی خواهد داد.
اما تا 100 سالگی فرزندی نداشت.



روزی خداوند ابراهیم را شبانه بیرون برد.
«به آسمان نگاه کن می‌توانی ستاره‌ها را بشماری؟»



خدا به او وعده داد که این سرزمین زیبا را نیز به او بدهد.



«فرزندان شما به اندازه ستارگان آسمان و شن‌های ساحل دریا خواهند بود.» ابراهیم به وعده خداوند ایمان آورد.

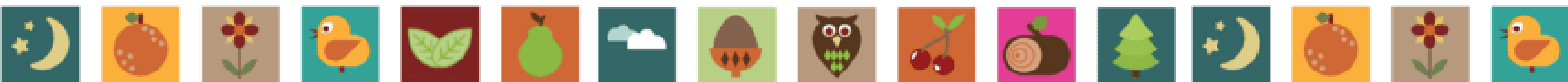


خداوند به وعده خود وفا کرد. ساره برای ابراهیم پسری به دنیا آورد. ابراهیم نام **اسحاق را** به معنای **شادی گذاشت** .



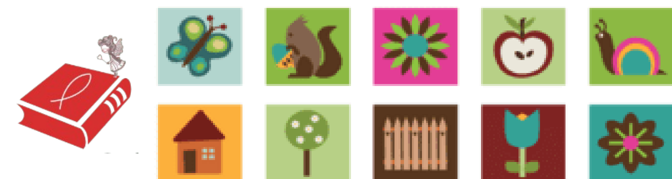
ابراهیم واقعاً به وعده خدا ایمان داشت، اگرچه برای او غیرممکن به نظر می رسید. خداوند وقتی ایمان ابراهیم را دید بسیار خوشحال شد. خداوند اسحاق، پسر موعود را به او داد.

خداوند قطعاً به وعده خود عمل می کند، اگرچه برای ما غیرممکن به نظر می رسید.



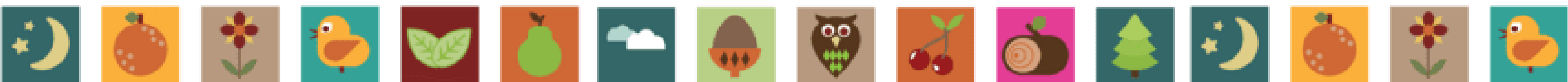


خدا هست...



خدا هست...

قادر مطلق (قادر به انجام هر کاری)





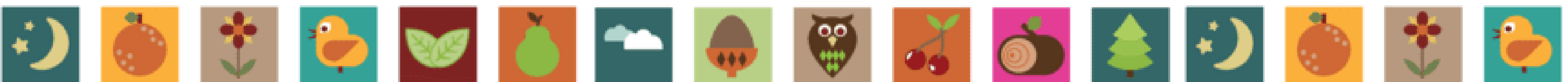
ابراهیم چند ساله بود که اسحاق را به دنیا آورد؟

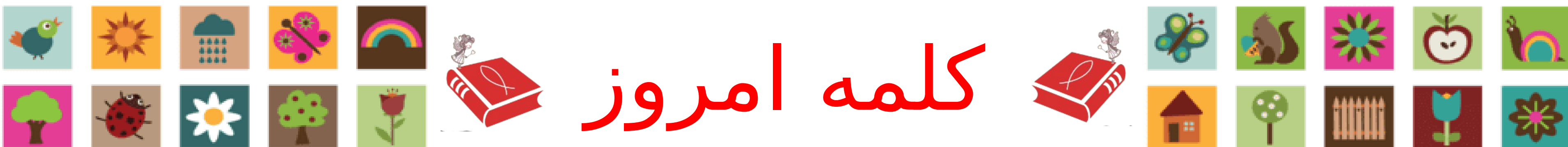
① 90

② 80

③ 70

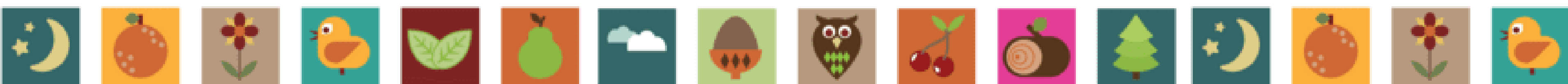
④ 100





ابراهیم صد ساله بود که پسرش اسحاق برای او به دنیا آمد.

(پــیدایش21:5)



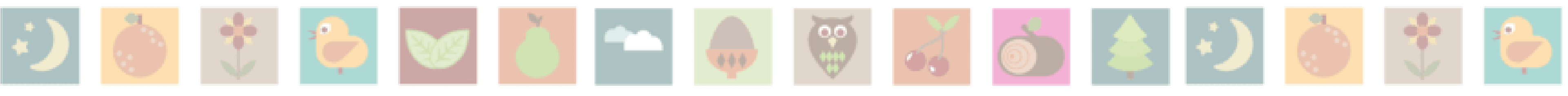


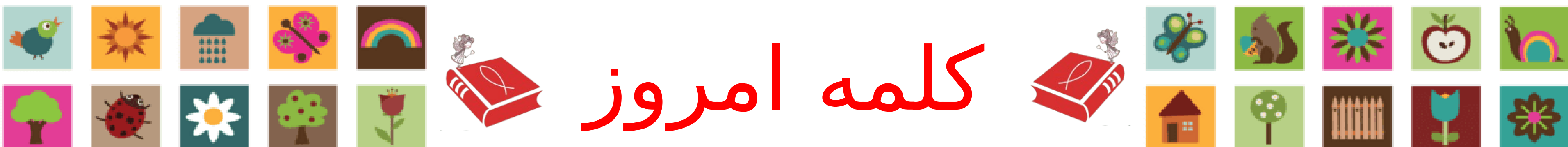
شماره 8 کلام خدا

ابراهیم اسحاق را به خدا تقدیم کرد





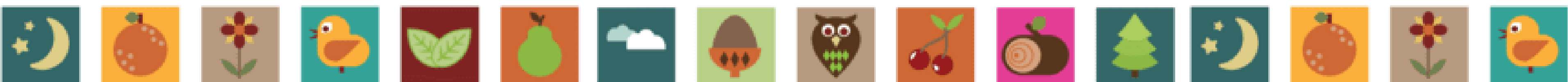





کلمه امروز

سپس خدا گفت: «پسرت، تنها پسرت اسحاق را که دوستش داری، بگیر.
و به منطقه موریا بروید. در آنجا او را به عنوان قربانی سوختنی قربانی کنید
در یکی از کوه ها به شما خواهم گفت.»

پیدایش 22:2





روزی خداوند به ابراهیم گفت:

«یگانه پسرت را به عنوان قربانی سوختنی به من تقدیم کن»



ابراهیم به قدری اسحاق را دوست داشت که وقتی از خدا شنید سخت گرفت. اما تصمیم گرفت خدا را اطاعت کند.



ابراهیم اسحاق را بستند و او را بر محراب گذاشت و او سعی کرد او را بکشد. در همان لحظه خاص،

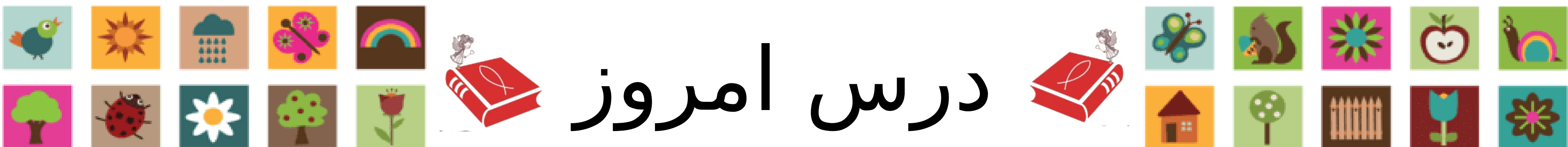


«ابراهیم، ابراهیم، او را نکش، کاری با او نکن، اکنون می‌دانم
که از خدا می‌ترسی و دوستش داری» این آزمایشی بود که
خداوند برای ابراهیم انجام داد.



"خدایا شکرت!" خداوند ایمان ابراهیم را با خوشحالی پذیرفت.

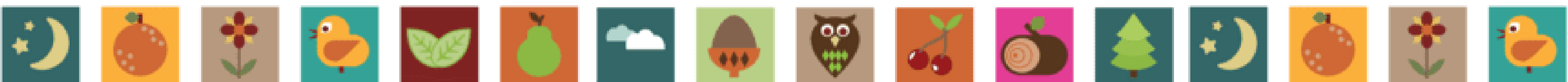
خداوند او را جد همه مؤمنان قرار داد.



درس امروز

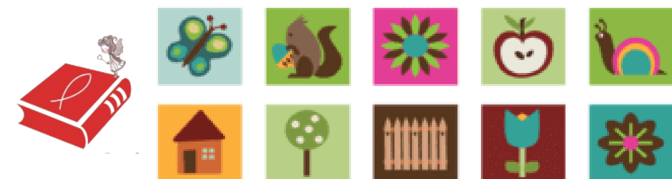
ابراهیم بسیار اسحاق را دوست داشت، اما اطاعت از کلام خدا برای او مهمتر بود.

من باید خدا را بیشتر از هر چیز دیگری و بیشتر از هر شخص دیگری در دنیا دوست داشته باشم.



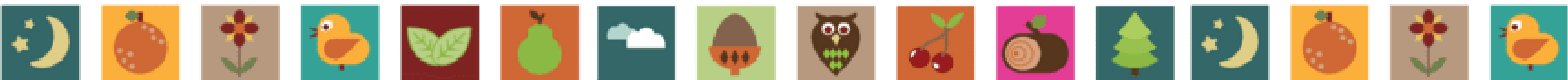


خدا هست؟



خدا هست..

پدر ما که ایمان ما را با امتحان قوی تر می کند.





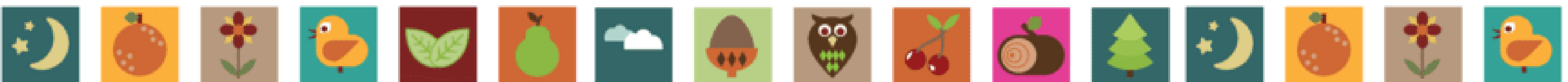
خدا به ابراهیم چه گفت که به عنوان قربانی سوختنی تقدیم کند؟

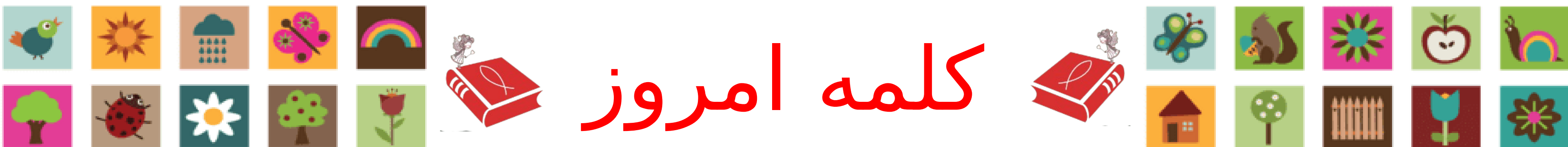
① پسر

② همسر

③ سگ

④ گوسفند

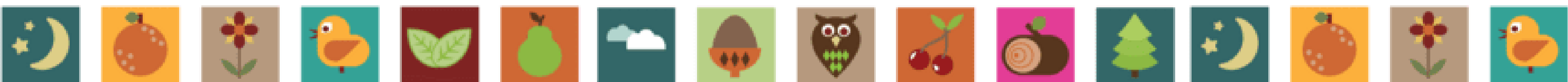





کلمه امروز

سپس خدا گفت: «پسرت، تنها پسرت اسحاق را که دوستش داری، بگیر. و به منطقه موریا بروید. او را در آنجا به عنوان قربانی سوختنی قربانی کنید در یکی از کوه ها به شما خواهم گفت.»

پیدایش 22:2

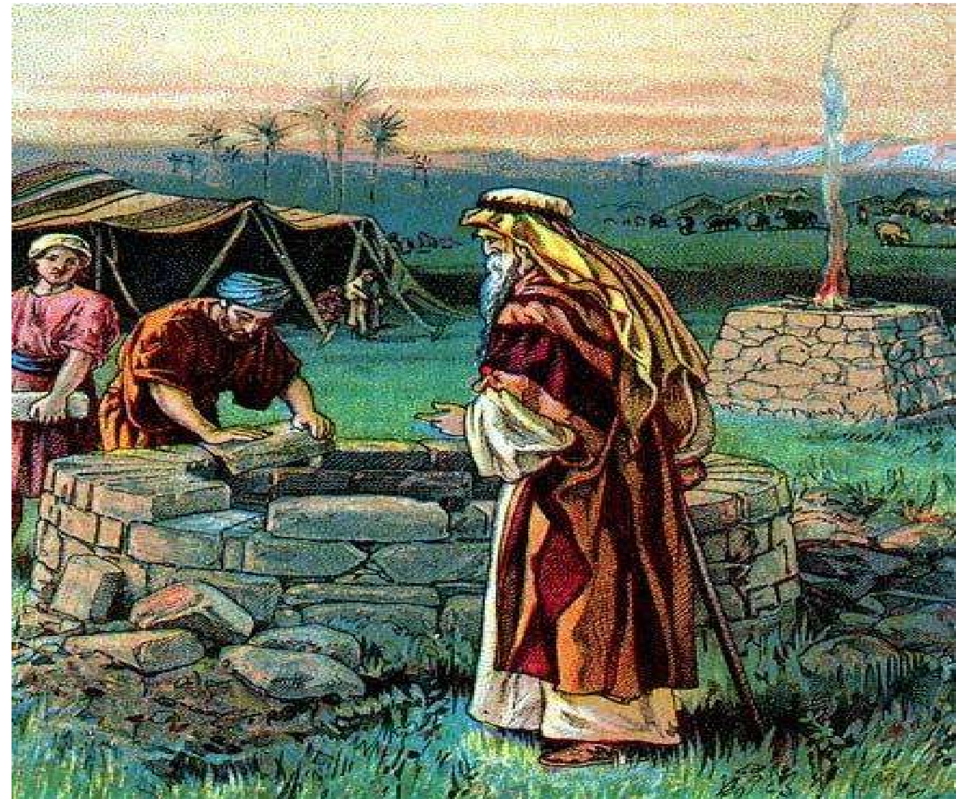


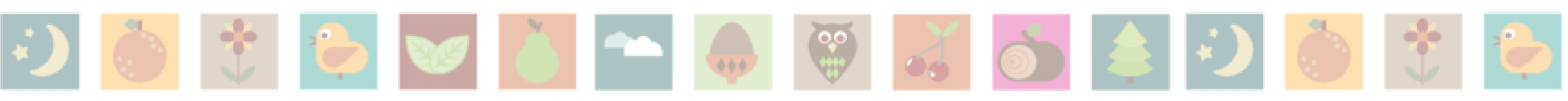


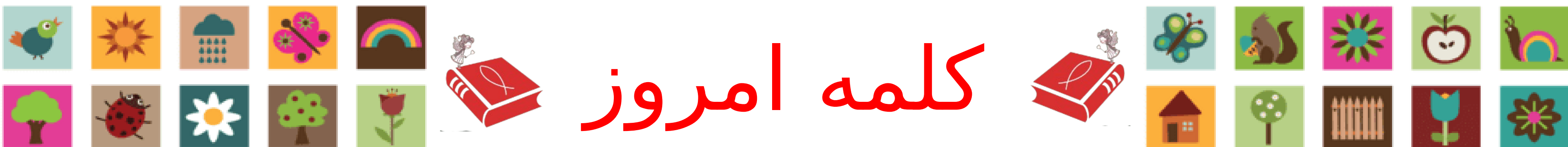
شماره 9 را کلمه از خداوند

اسحاق دعوا نکرد



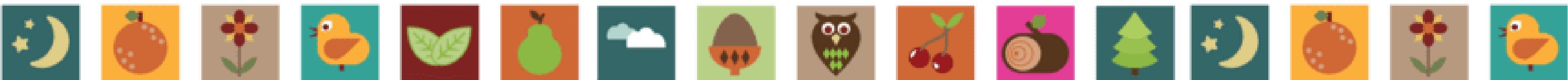






از آنجا حرکت کرد و چاه دیگری حفر کرد و کسی بر سر آن نزاع نکرد.
او آن را رهوبوت نامید و گفت: «حالا خداوند به ما جا داده است
و ما در زمین شکوفا خواهیم شد.»

روایت آفرینش در انجیل
26: 22





را چاه ها بود بنابراین مهم، زیرا آنها میتوانست گرفتن تازه
اب در صحرا اسحاق چاه ها را به پدرش به ارث برده بود.



اما فلسطینیان به او حسادت کردند. پس چاه ها را از خاک پر کردند.



اما اسحاق با آنها دعوا نکرد. دور شد و چاه را حفر کرد. او یک چاه آب شیرین را کشف کرد.



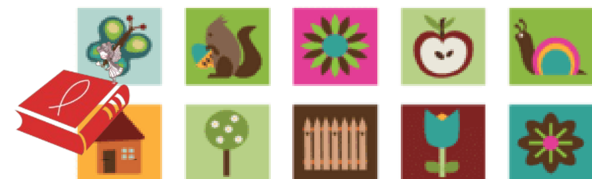
در این هنگام مردم چاه را از اسحاق گرفتند. اما او با آنها هم دعوا نکرد.



خداوند اسحاق را برکت داد. دوباره چاه دیگری حفر کرد. خداوند از آنجا به او آب شیرین داد. اسحاق مجسمه‌ای ساخت و شکرگزاری کرد.



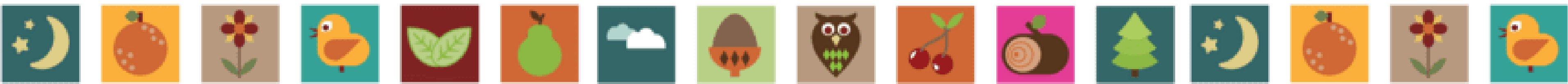
درس امروز



اسحاق با کسانی که چاه هایش را بردند نزاع نکرد.

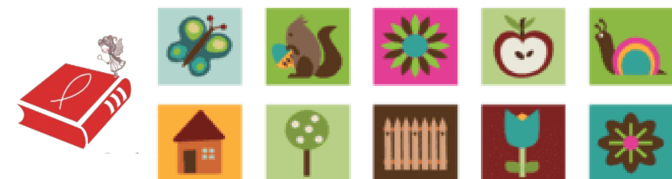
خداوند اسحاق را برکت داد.

همچنین نباید با دیگران دعوا کنیم.
ما باید دیگران را دوست داشته باشیم و ببخشیم.





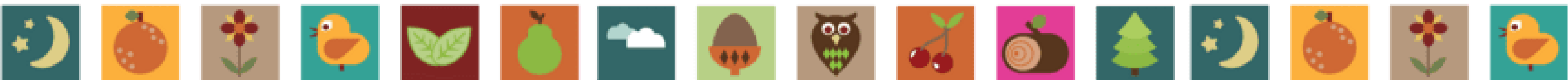
خدا هست؟؟

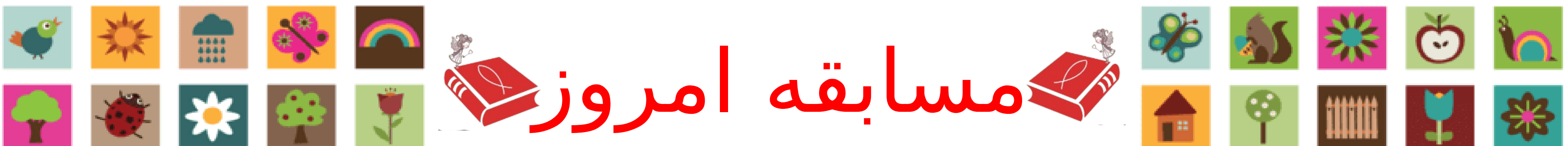


خداوند ....

از کسانی که با دیگران دعوا می کنند متنفر است.

او عاشق کسانی است که همدیگر را دوست دارند.





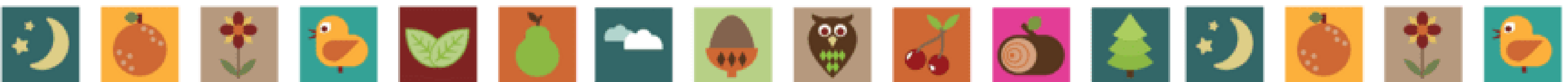
به خاطر چه چیزی اسحاق در دوران سختی متحمل شد؟

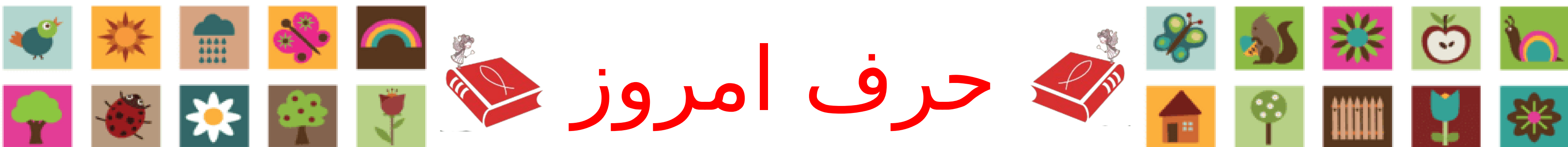
① خانه

② بره

③ خوب

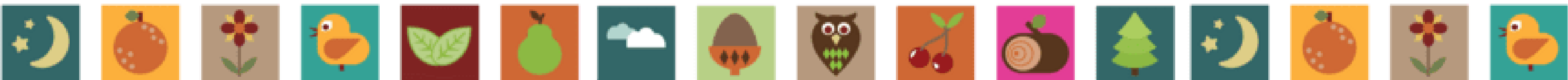
④ خانواده





از آنجا حرکت کرد و چاه دیگری حفر کرد و کسی بر سر آن نزاع نکرد.
او آن را رهوبوت نامید و گفت: «حالا خداوند به ما جا داده است
و ما در زمین شکوفا خواهیم شد.»

روایت آفرینش در انجیل
22 :26





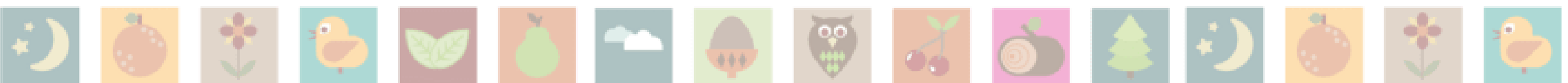
شماره 10 را کلمه از خداوند

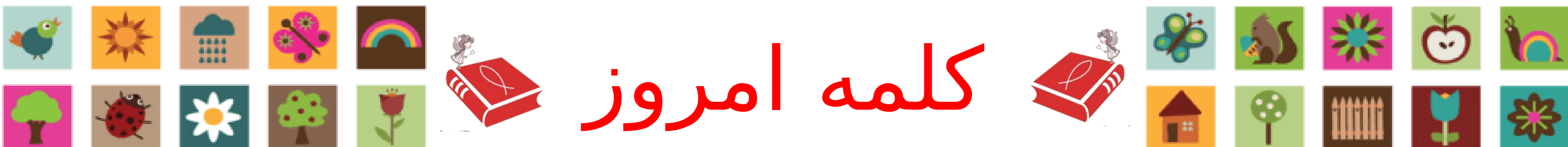
عیسو حق اولاد را فروخت برای یک کاسه خورش قرمز



Bible Kids

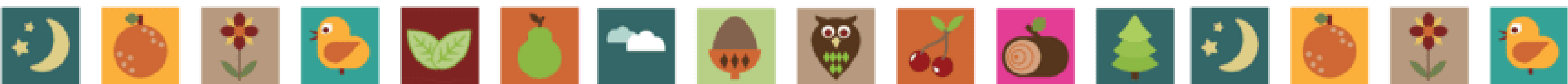


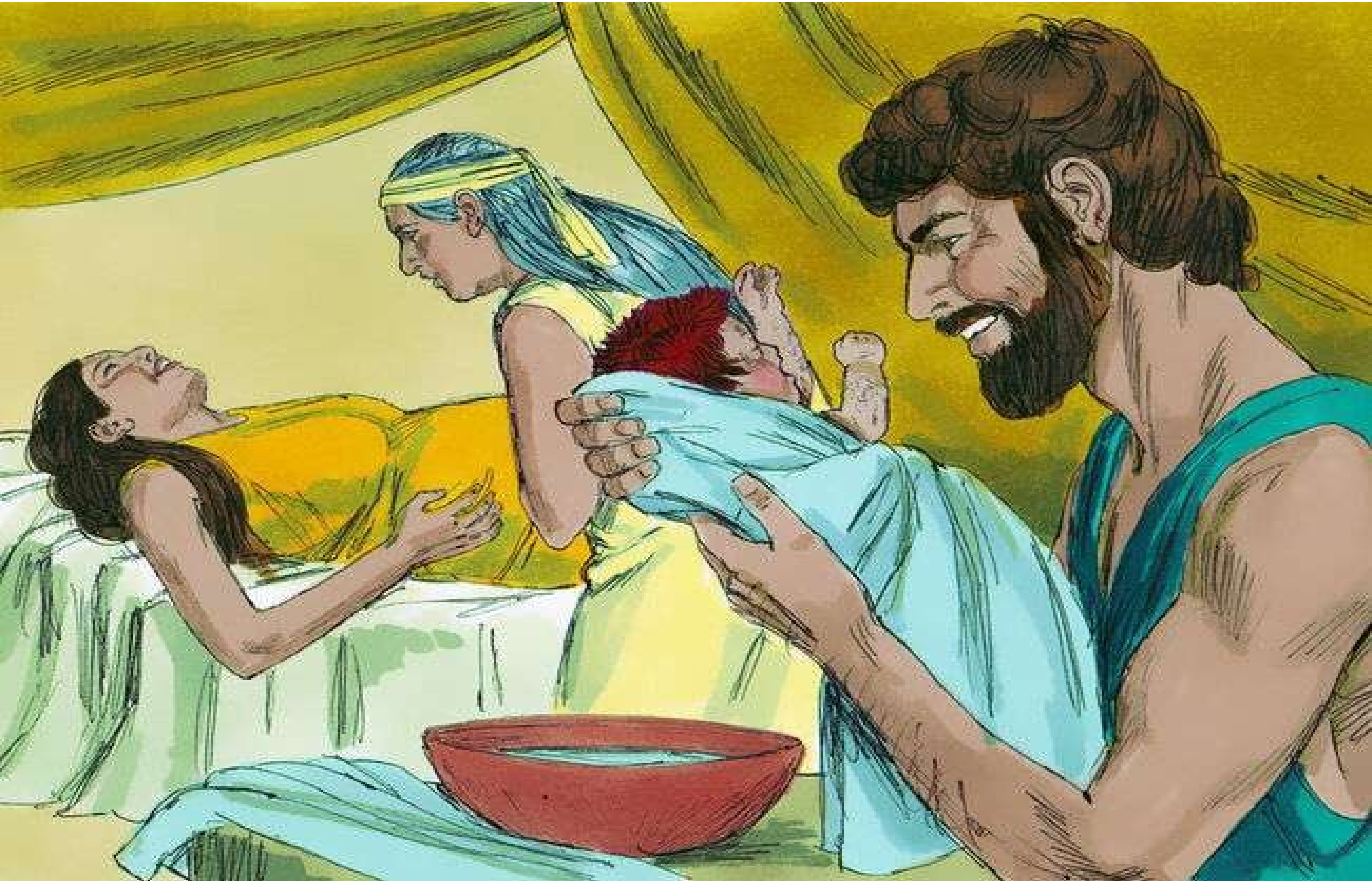




سپس یعقوب مقداری نان و مقداری خورش عدس به عیسو داد. خورد و نوشید و بعد بلند شد و رفت. بنابراین، عیسو حق اولاد خود را تحقیر کرد.

پیدایش 25:34

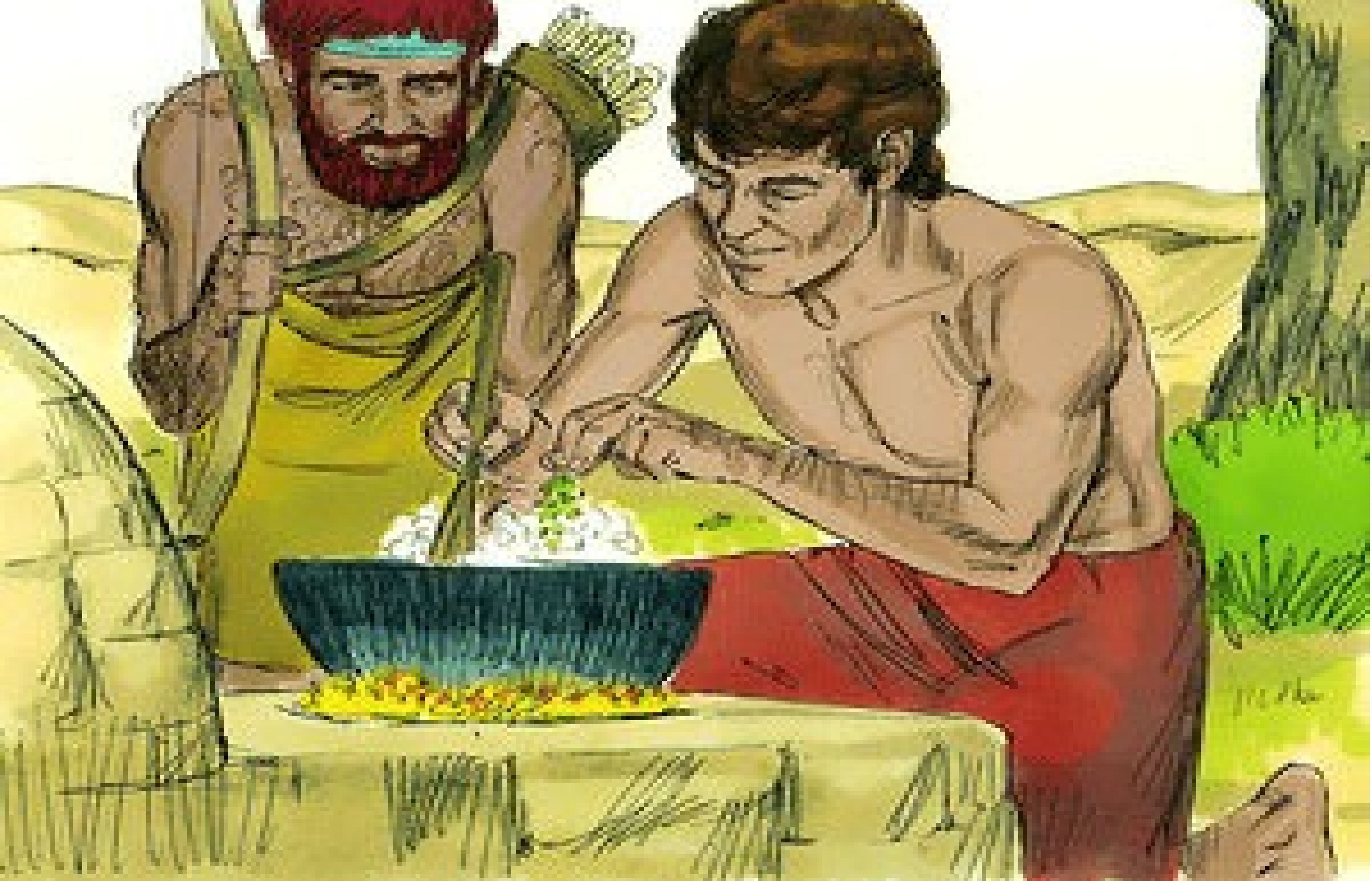




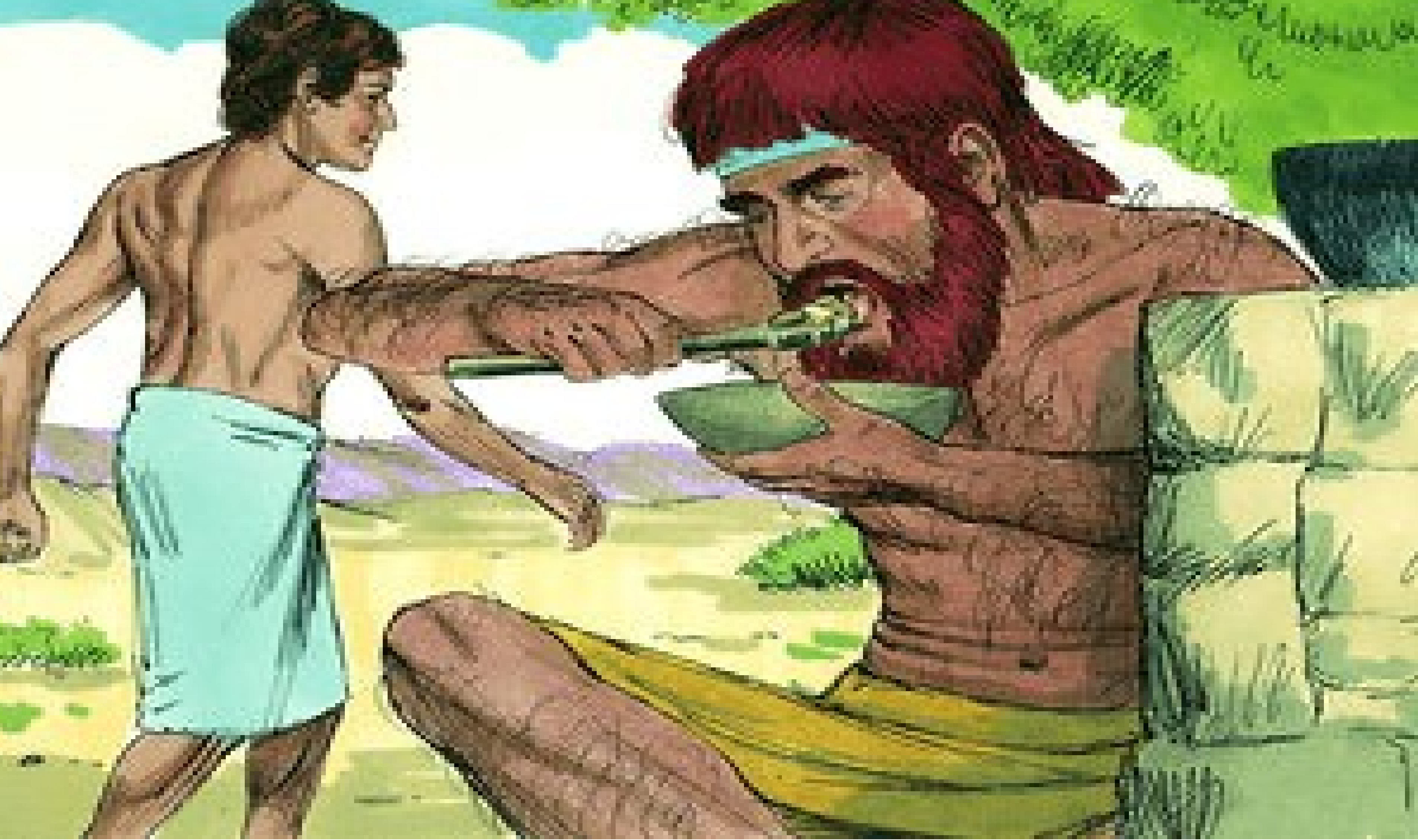
همسر اسحاق، ربکا، دوقلو به دنیا آورد. نام پسر اول عیسو و پسر دوم یعقوب بود.



عیسو شکار را دوست داشت. بنابراین، او عاشق فعالیت در فضای باز بود. اما، یعقوب مردی آرام بود و در خانه می ماند.



روزی که یعقوب مشغول پختن خورش بود، عیسو پس از شکار گرسنه به خانه بازگشت.



یه خورش به من بده!»، «اول حق تولدت را به من بفروش سپس«
مقداری به شما می‌دهم.» عیسو آنقدر گرسنه بود که حق اولاد خود
را به یک کاسه خورش قرمز فروخت.



سرانجام یعقوب پدرش را فریب داد تا برکت بگیرد. بالاخره او برکت گرفت. همه اینها به مشیت خدا اتفاق افتاد.

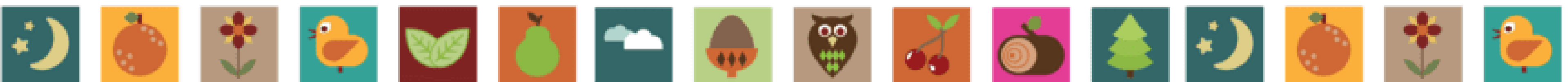


عیسو فکر می کرد که حل مشکل گرسنگی مهمتر از دریافت برکت معنوی است.

سرانجام، یعقوب تبدیل شد را جد بنی اسرائیل

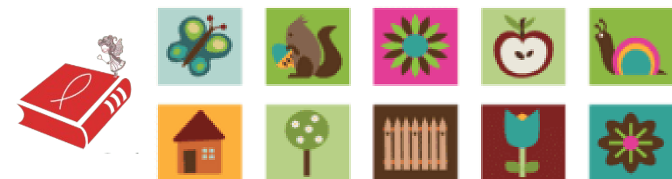
به نظر شما چه چیزی مهمتر است؟

نعمت فرزند خدا بودن را نمی توان جایگزین هیچ چیز کرد.



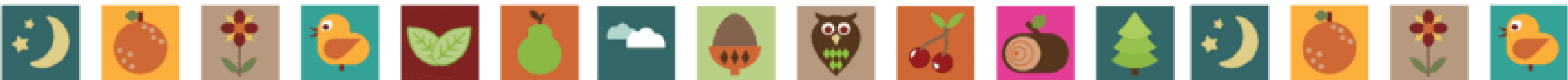


خدا هست؟



خداوند است

خداوند اراده خود را با وجود خطا و باطل مردم برآورده می کند.





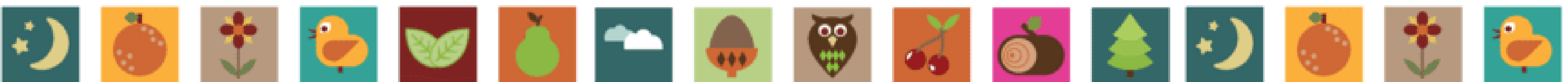
عیسو حق اولیت خود را برای چه فروخت؟

① رشته فرنگی

② نان

③ گوشت

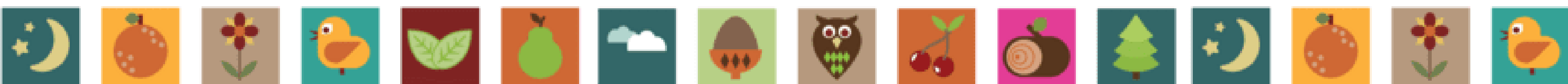
④ **خورش قرمز**





سپس یعقوب مقداری نان و مقداری خورش عدس به عیسو داد.
خورد و نوشید و بعد بلند شد و رفت.
بنابراین، عیسو حق اولاد خود را تحقیر کرد.

پیدایش 25:34



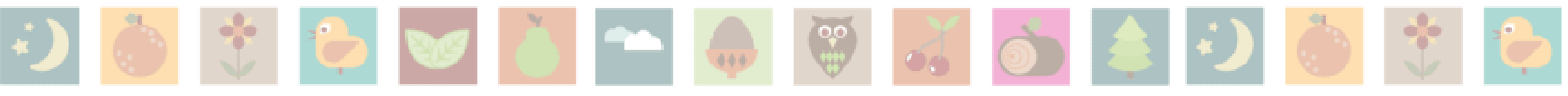


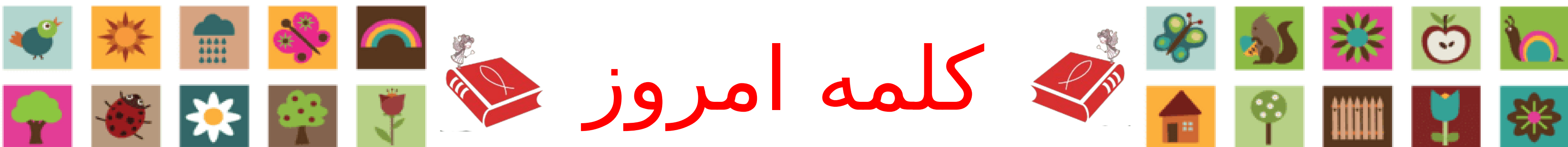
شماره 11 کلام خدا

رویای یعقوب



Bible Kids

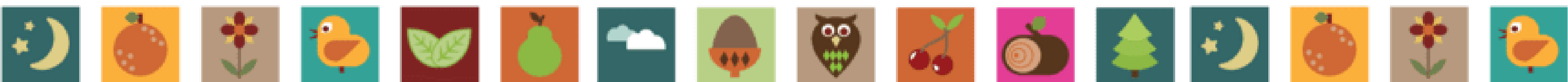




کلمه امروز

در خواب دید که پلکانی روی زمین قرار گرفته و بالای آن به آسمان می رسد و فرشتگان خدا بر آن بالا و پایین می شوند.

روایت آفرینش در انجیل
12 :28





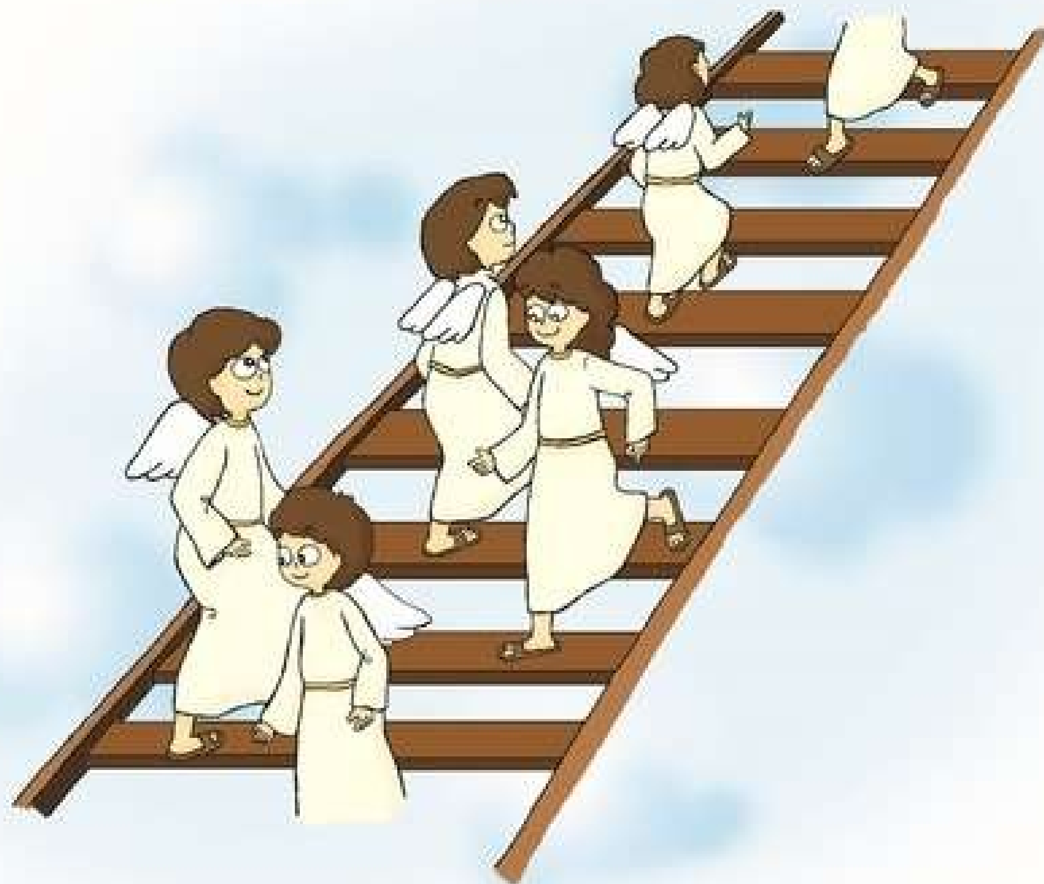
یعقوب برادرش را با دروغ فریب داد. از کشته شدن می ترسید. پس از خانه به عمویش در حران گریخت.



شب هنگام سنگی به آنجا برد و آن را به عنوان بالش زیر سرش گذاشت. آنجا تنها بود بدون خانواده. بنابراین می ترسید و احساس تنهایی می کرد.



یعقوب فرشتگان خدا را دید که از پلکانی روی زمین به سوی آسمان بالا و پایین می‌رفتند.



او صدای خدا را شنید که "من با تو هستم و هر کجا بروی مراقب تو هستم."



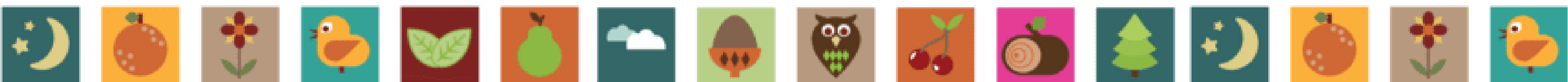
صبح که از خواب بیدار شد، خدایی را که وعده داده بود با او خواهد بود عبادت کرد و خدا را جلال داد.



درس امروز

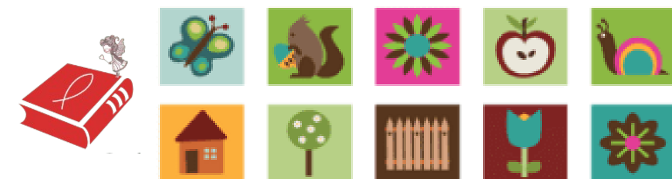
مثل خدا با یعقوب که از تنهایی می ترسید خدای پدر ما نیز وقتی تنها هستیم از ما مراقبت می کند.

مانند یعقوب، باید خدایی را که همیشه با ماست، تکریم و جلال دهیم.





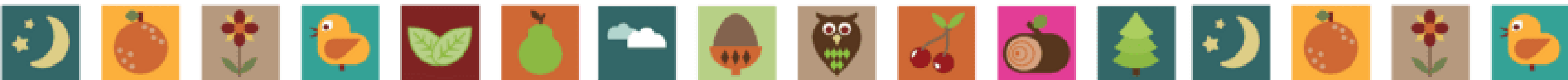
خدا هست؟



خداوند

خدا در همه جا و هر زمان با ماست.

خدا همیشه مراقب ماست





امروز امتحان

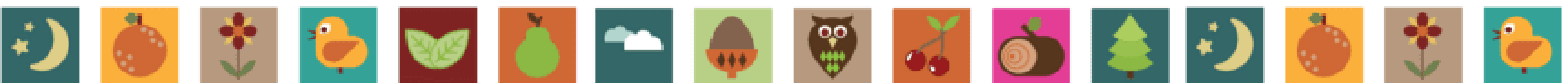
وقتی یعقوب خوابید چه بالش گرفت؟

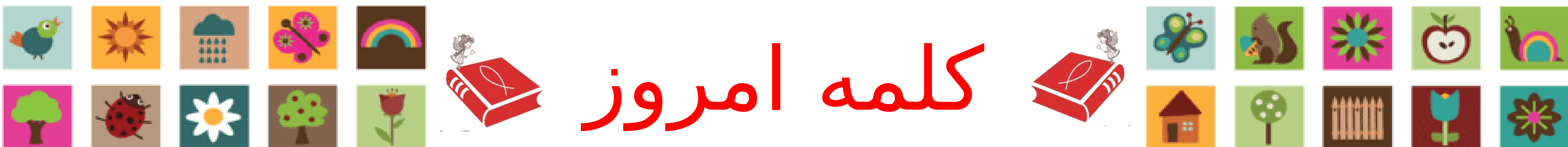
① چوب

② **سنگ**

③ کیسه

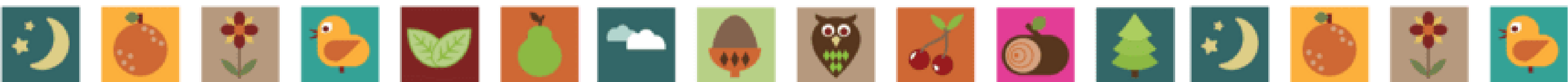
④ پوست حیوانات





در خواب دید که پلکانی روی زمین قرار گرفته و بالای آن به آسمان می رسد و فرشتگان خدا بر آن بالا و پایین می شوند.

روایت آفرینش در انجیل
28: 12





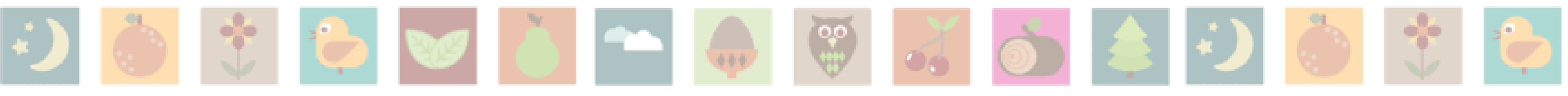
شماره 12 را کلمه از خداوند

یوسف توسط برادرانش فروخته شد



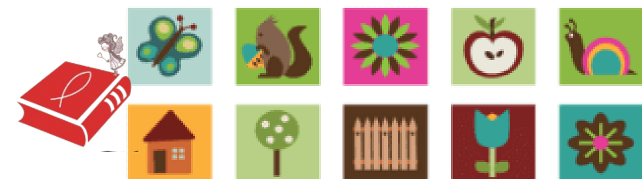


Bible Kids



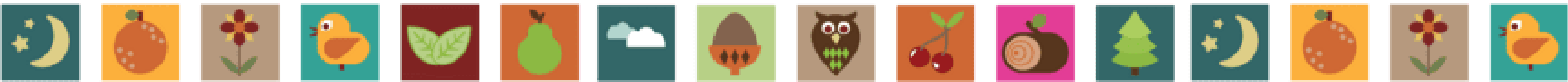


کلمه امروز



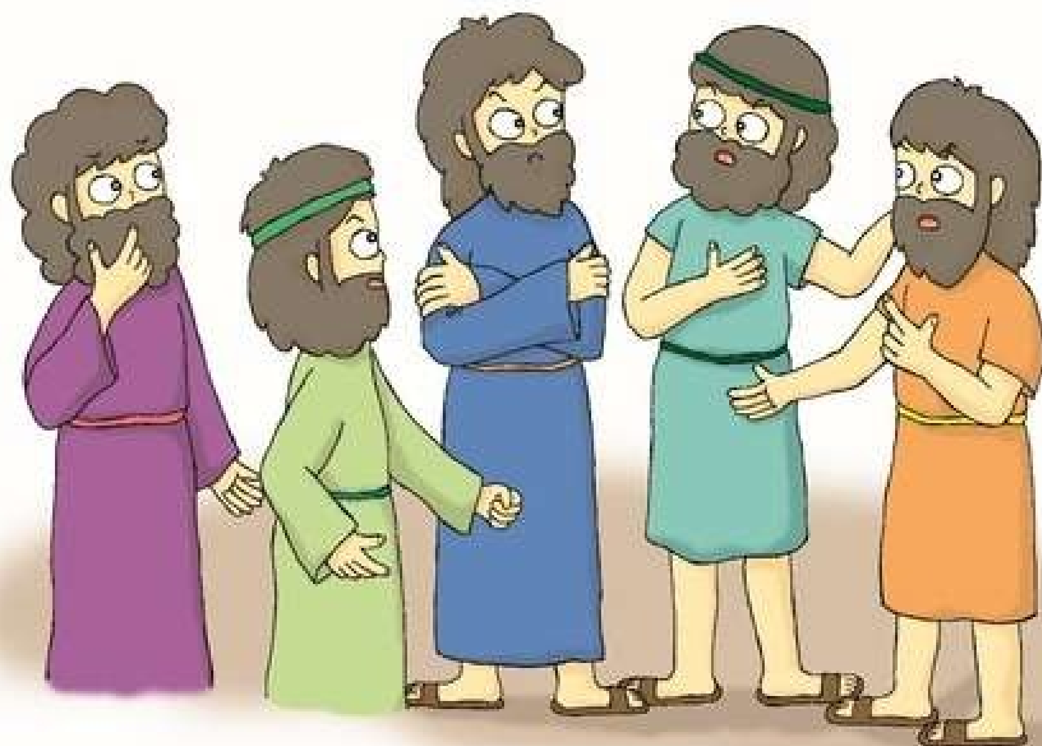
«بیا بیا او را بکشیم و در یکی از این آب انبارها بیندازیم
و بگو که حیوانی درنده او را بلعید.
سپس خواهیم دید که از رویاهای او چه می آید."

(پیدایش 37:20)





یعقوب دوازده پسر داشت. او یوسف را بیشتر از پسرانش دوست داشت. بنابراین، او پارچه بسیار زیبایی برای یوسف ساخت



برادرانش از او بسیار متنفر بودند زیرا پدرشان او را دوست داشت. بیایید یوسف را بفروشیم. بیایید به پدر بگوییم که درگذشت.



یوسف را به عنوان برده به بازرگانی فروختند که آمدند.
با شنیدن این سخن، یعقوب به شدت متأسف شد.



یوسف به عنوان یک برده زندگی سختی داشت. با این حال او
بدون هیچ گناهی ایمان آورد و به خدا توکل کرد.



یوسف به اتهام واهی به زندان فرستاده شد. با این حال، او سعی کرد حتی در زندان نیز در پیشگاه خداوند صالح باشد. خداوند یوسف را فراموش نکرد و خدا نقشه های شگفت انگیزی برای او داشت.



درس امروز

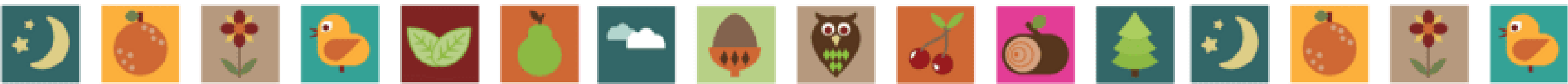


یوسف مورد نفرت برادرانش قرار گرفت و به عنوان برده فروخته شد. او نیز به اتهام واهی به زندان افتاد.

اما به خدا توکل کرد و سعی کرد بیش از این مرتکب گناه نشود.

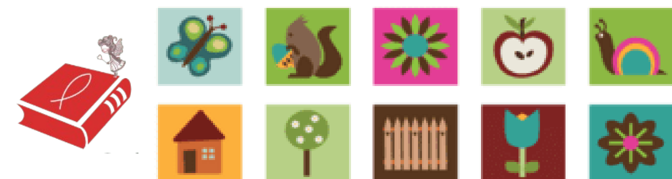
ممکن است با مشکلاتی مواجه شویم.

مرتکب هیچ گناهی نشویم و از پدرمان خدایی که با کمال میل به دعای ما گوش می دهد کمک بخواهیم.



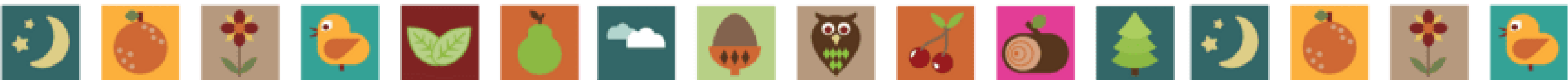


خدا هست؟



پدر ما خدا..

خدای پدر ما حتی در مواقع سخت برنامه های شگفت انگیزی برای ما دارد.





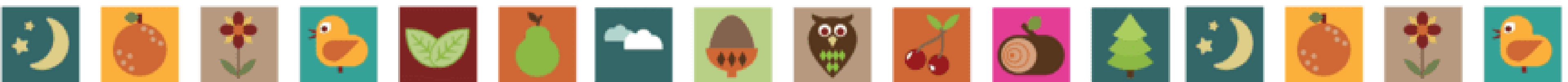
یعقوب در میان دوازده پسرش فقط به یوسف چه داد؟

① اسباب بازی

② کتاب مقدس

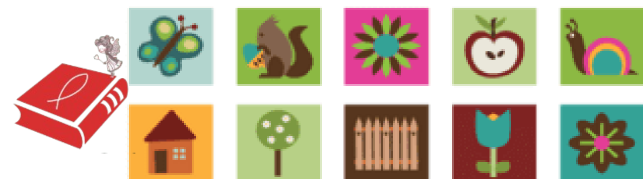
③ پارچه بسیار زیبا

④ پول





کلمه امروز

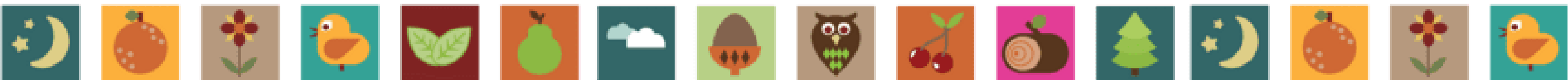


«بیا بیا او را بکشیم و در یکی از این آب انبارها بیندازیم

و بگو که حیوانی درنده او را بلعید.

سپس خواهیم دید که از رویاهای او چه می آید."

(پیدایش 37:20)



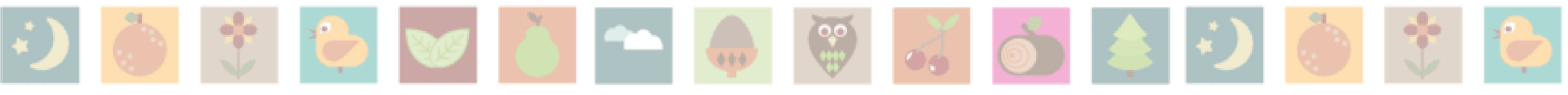


شماره 13 کلام خدا

یوسف نخست وزیر مصر شد

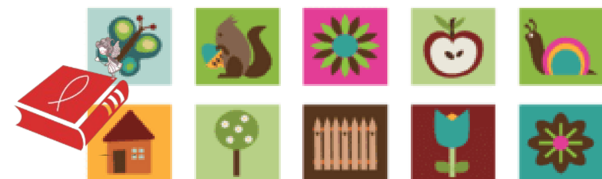






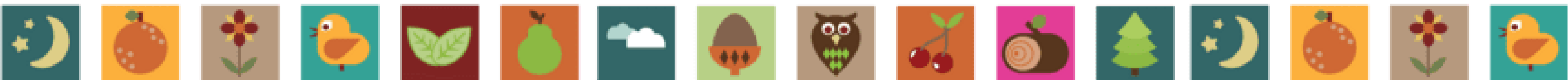


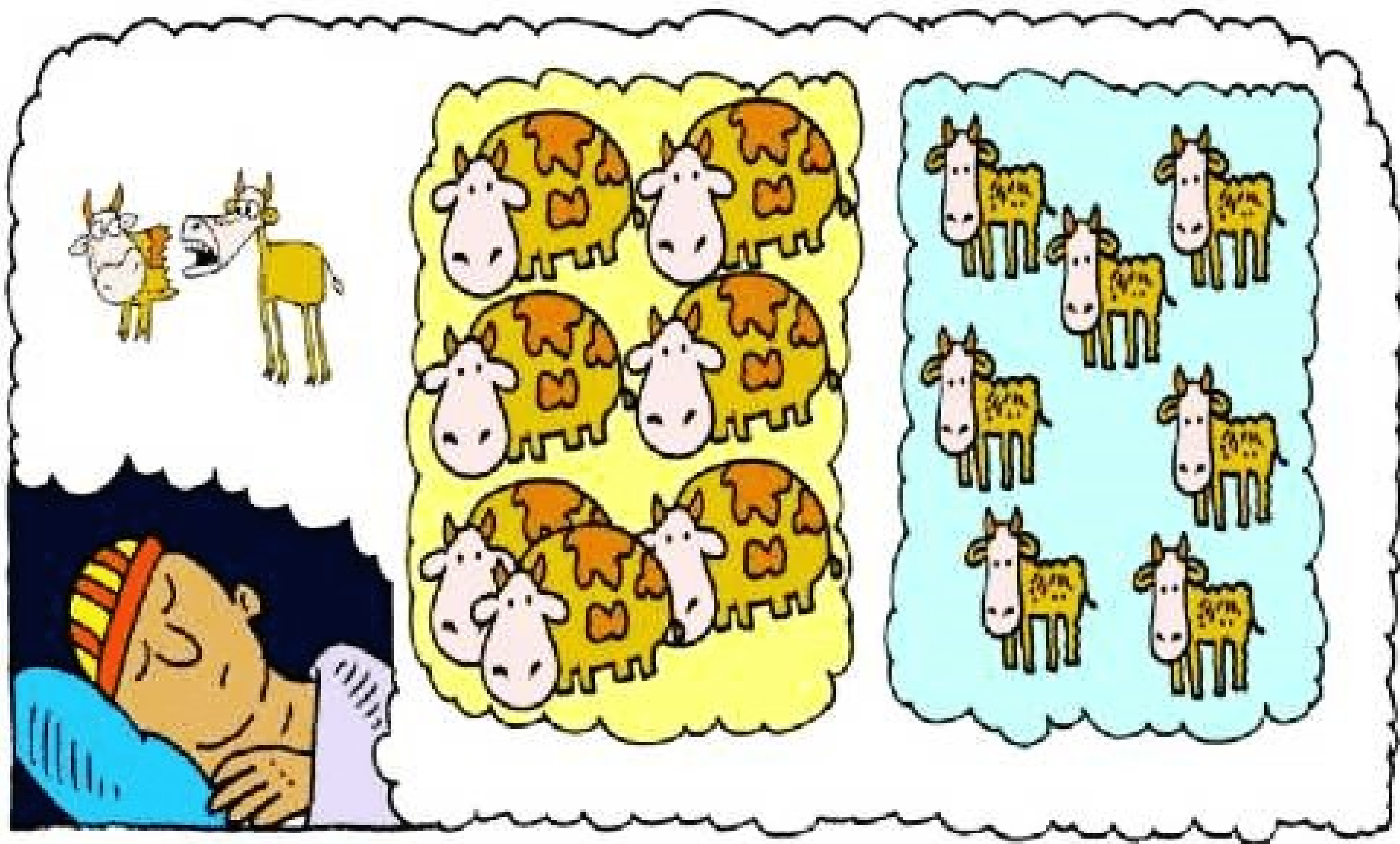
کلمه امروز



پس فرعون به یوسف گفت: «تو را سرپرست تمام سرزمین مصر می‌کنم.»

روایت آفرینش در انجیل
41 :41





فرعون پادشاه مصر خوابی دید. 7 گاو چاق و بعد از آن 7 گاو زشت بیرون آمدند. ۷ گاو زشت ۷ گاو چاق را خوردند. خواب خیلی عجیبی بود



هیچ کس نتوانست خواب او را در قصر تعبیر کند. رئیس حجامت که یوسف به او کمک کرد او را به پادشاه معرفی کرد.



خداوند به یوسف عقل داد. پس می‌توانست معنای خواب را تعبیر کند و به پادشاه بگوید.



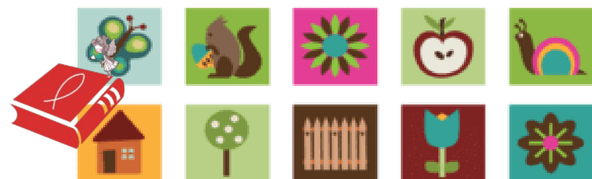
فرعون چنان متاثر شد که یوسف را که اسیر بود به دومین مقام عالی زمین منصوب کرد.



یوسف نخست وزیر مصر شد و با حکمتي که خدا به او داده بود، به خوبي بر سرزمین حکومت کرد.



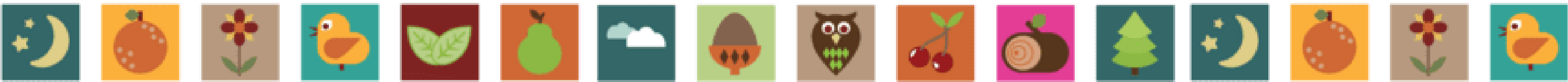
درس امروز



خدا نقشه های شگفت انگیزی برای یوسف داشت.

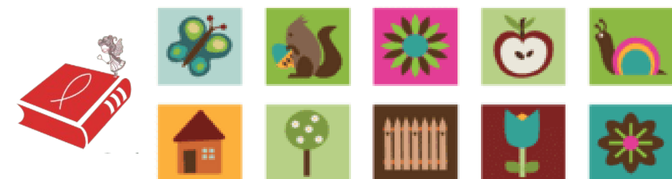
وقتی با مشکلاتی روبرو می شویم، نباید ناامید شویم،

اما باید منتظر برنامه های شگفت انگیز خدا برای ما باشیم و به خدا ایمان داشته باشیم..



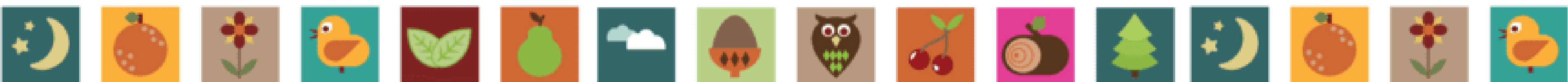


خدا هست؟



خداوند مطابق میل خود عمل می کند.

فرومایه سرافراز می شود و بلند مرتبه پست می شود.





آزمون امروز

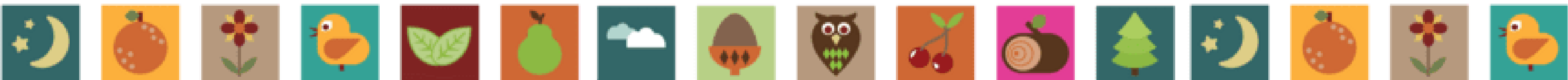
چه حیواناتی در خواب فرعون ظاهر شدند؟

① پرنده

② سگ

③ اسب

④ **گاو**



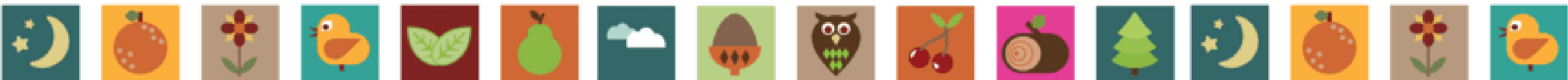


کلمه امروز



پس فرعون به یوسف گفت:
من به این وسیله شما را مسئول کل سرزمین مصر می‌کنم.»

روایت آفرینش در انجیل
41 :41

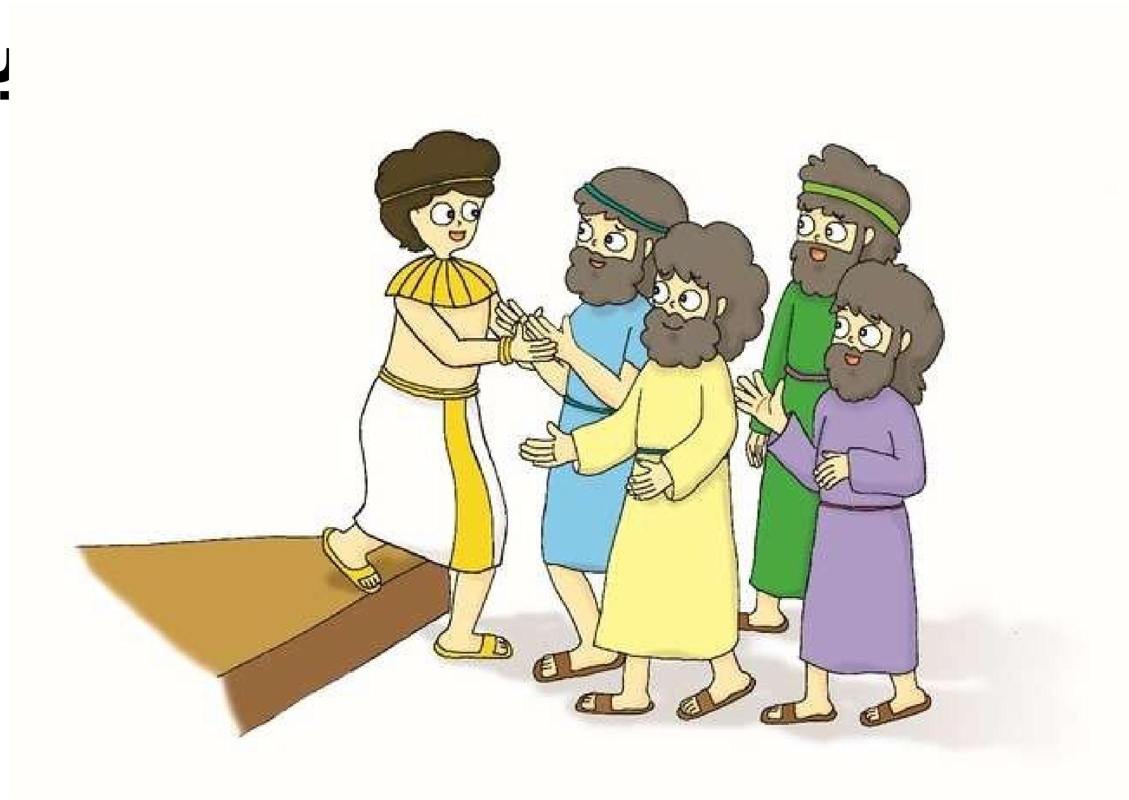


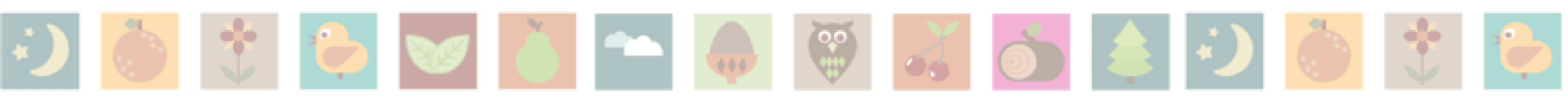


خیر 14 کلام خدا

یوسف دوباره با برادرانش ملاقات کرد







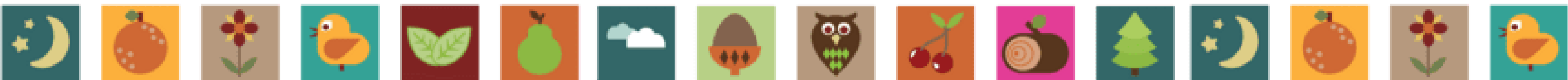


کلمه امروز



اگرچه یوسف برادران خود را شناخت، اما آنها او را نشناختند.

روایت آفرینش در انجیل
42: 8





فرعون یوسف را به نخست وزیری مصر منصوب کرد.
جوزف 7 سال قحطی شدید را عاقلانه کنترل کرد.



اما به دلیل قحطی در کنعان غله ای وجود نداشت. آنها مجبور شدند برای خوردن غله به مصر بروند. برادران یوسف برای خرید غذا نیز به مصر رفتند.



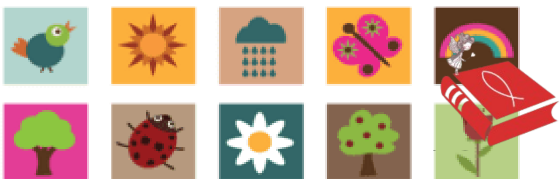
اگرچه یوسف برادران خود را شناخت، اما آنها او را نشناختند.



یوسف به آنها گفت که او کیست. آنها از نگاه کردن به او مبهوت شدند و از او ترسیدند



یوسف متوجه شد که چرا خدا او را به مصر فرستاد. برادران خود را بخشید و همه خانواده خود را به مصر برد و به سلامت از آنها مراقبت کرد.

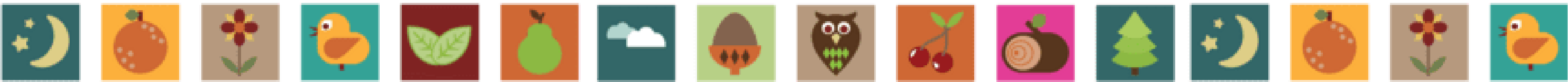


درس امروز



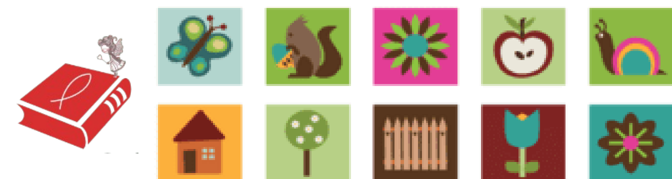
یوسف برادران خود را که با او بدرفتاری می کردند و به خواست خدا دوستشان داشت، بخشید.

ما باید خانواده و دوستان خود را ببخشیم و آنها را دوست داشته باشیم.



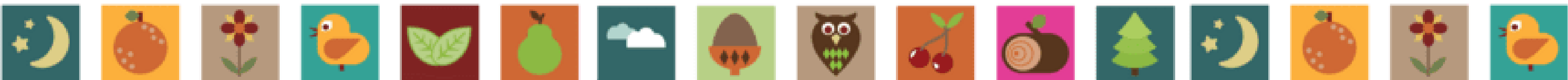


خدا هست؟



خداوند..

ما را می بخشد و ما را دوست دارد.





آزمون امروز



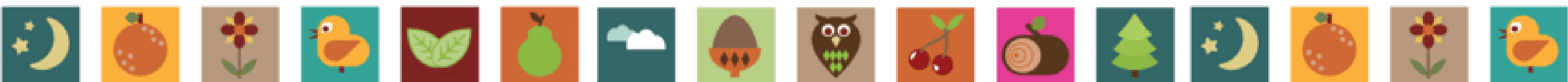
جوزف نخست وزیر کدام کشور شد؟

① مصر

② اسرائیل

③ فارس

④ بابل



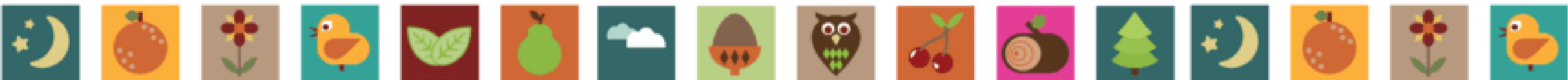


کلمه امروز



اگرچه یوسف برادران خود را شناخت، اما آنها او را نشناختند.

روایت آفرینش در انجیل
42 :8

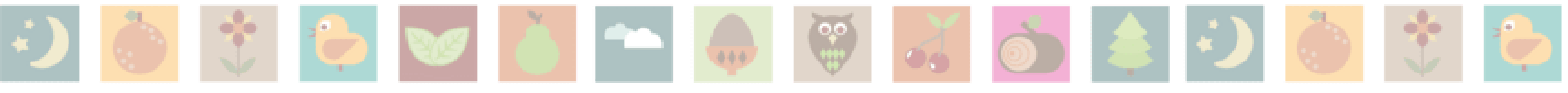




شماره 15 کلام خدا

کودکی که از آب نجات یافت





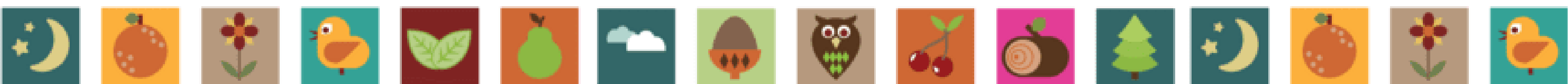


کلمه امروز



وقتی بچه بزرگ شد، او را نزد دختر فرعون برد و او پسرش شد. نام او را موسی گذاشت و گفت: او را از آب بیرون کشیدم.

خروج 2:10





پادشاه مصر، فرعون، دستور داد همه پسران تازه متولد شده اسرائیلی را به رودخانه نیل بیندازند و بگذارند آنها را بکشند.



یوخابد، مادر موسی، چاره ای نداشت جز اینکه اجازه دهد پسرش را در رودخانه نیل ببرند.



در آن زمان شاهزاده خانم مصر نوزاد را در حالی که در رودخانه حمام می کرد دید. او در نظر داشت که پسر را بزرگ کند.



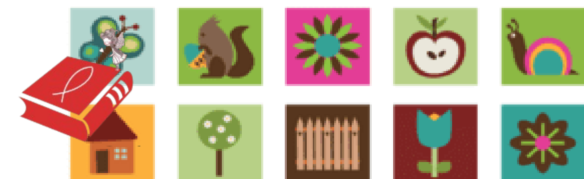
خواهرش دید که شاهزاده خانم پسر بچه را از سبد بیرون آورد. او مادر واقعی خود، جوکبد را معرفی کرد تا از نوزاد پسر برای او پرستاری کند.



وقتی بچه بزرگ شد، او را نزد شاهزاده خانم بردند تا پسرش شود. نام او را موسی گذاشت و گفت: «او را از آب بیرون کشیدم. موسی در مصر رشد کرد قصر.



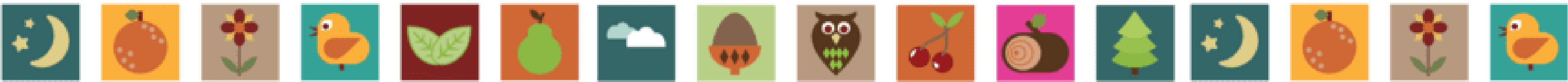
درس امروز



خداوند موسی را نجات داد.

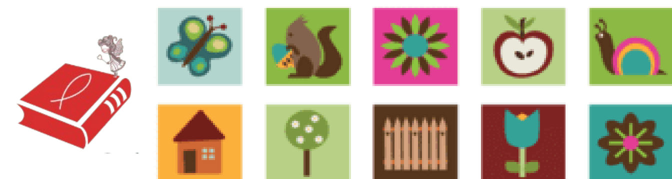
خداوند با حکمت و قدرت شگفت انگیز خود ما را نجات داد (مشیت).

بیایید باور کنیم که برنامه های خدا بزرگتر و کاملتر از همیشه هستند.



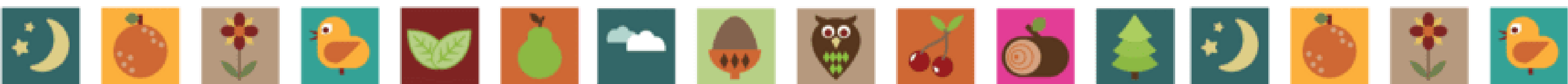


خدا کیست؟



خداوند..

او خدای متعالی است که اراده خود را با وجود هر مانعی انجام می دهد.





آزمون امروز



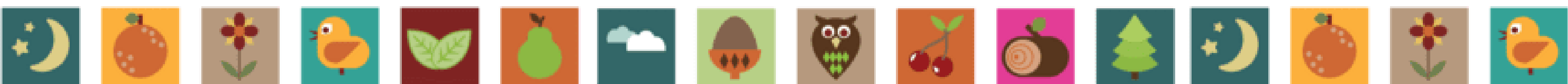
بچه ای که در آب برده شد چه شد؟

① او غرق شد و توسط ماهی خورد.

② پرندگان کودک را نجات دادند.

③ خداوند کودک را از آسمان نجات داد.

④ شاهزاده مصر او را دید و نجات داد.





کلمه امروز



وقتی بچه بزرگ شد، او را نزد دختر فرعون برد و او پسرش شد. نام او را موسی گذاشت و گفت: او را از آب بیرون کشیدم.

خروج 2:10

